

# گاهنامه ششم ادای تل قرین

شماره دهم | آذر ۱۴۰۳

## پرونده ویژه؛ جنگ غزه پس از يك سال



انديشكده مطالعات رژيم صهيونيستي  
دانشگاه امام صادق (عليه السلام)





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# فهرست مطالب

- ۶ سخن نخست
- ۱۳ اعراب ۴۸ و جنگ غزه
- ۲۱ کلان روایت راهبرد و سیاست پساطوفان الاقصی
- ۲۷ علل تاب‌آوری اقتصاد رژیم صهیونیستی پس از نبرد طوفان الاقصی
- ۳۳ هوش مصنوعی و جنگ غزه
- ۳۹ راهبرد و سیاست ایالات متحده در قبال جنگ غزه
- ۴۷ امارات متحده عربی و طوفان الاقصی
- ۵۳ رمزگشایی از معمای اردن و مساله فلسطین
- ۵۹ اسرائیل و چالش‌های حقوق بشری و حقوق بین‌المللی پس از جنگ غزه
- ۶۵ جنگ غزه و برنامه هسته ای جمهوری اسلامی ایران





# سخن نخست

محمد پاکدامن

طوفان الأقصى را بی شک می توان یکی از نقاط عطف منطقه و تاریخ معاصر دانست. این جنگ نه تنها تحولی بنیادین در سپهر تنازع جهان اسلام و عرب با رژیم صهیونیستی ایجاد کرد، بلکه با تغییر در مفاهیم بین المللی، نظام ارزشی حاکم تا ۶ اکتبر را دستخوش تغییر کرد. جنگ حاضر به دلایل متعددی حائز اهمیت تحلیلی و مطالعاتی است که از آن میان می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. سنگینی کفه ترازو به نفع رئالیسم: در حالی که از ابتدای جنگ ابتکارهای متعدد و متنوع عربی و غربی برای توقف جنگ شروع شد. اما برخی پیروزی های ظاهری دشمن صهیونی، میزان حمایت عمومی صهیونیست ها از جنگ افروزی نتانیا هو در شمال و جنوب را افزایش داده و تلاش های بین المللی را خنثی کرد. این در حالی است که کسب

موفقیت‌های مذکور در سایه‌ی نقض گسترده‌ی توافقات و نُرْم‌های بین‌المللی محقق شد. آنچه به تعبیر مقام معظم رهبری ((نادیده گرفتن حدود و ثغور جنگ)) بود، تا حد زیادی ناکارآمدی قوانین و مجامع بین‌المللی را به اثبات رساند که در قالب استعفای گزارشگران و دیده‌بان‌های سازمان ملل، متبلور شد.

**۲. پیش به سوی جنگ‌های اطلاعاتی:** جنگ طوفان الأقصى را می‌توان تا حد زیادی جنگ اطلاعات پایه دانست؛ چنانکه با غافلگیری اطلاعاتی ۱۵ مهر (۷ اکتبر) دشمن صهیونی آغاز شد و نمایش روزانه و دائمی از کشاکش اطلاعاتی را به منصفه ظهور گذاشت. دشمن صهیونی با وجود نهادهای با سابقه‌ی اطلاعاتی و علی‌رغم دریافت اماره‌های اطلاعاتی از حمله‌ی مقاومت، به سبب برآوردهای نادرست افسران اطلاعاتی که تا حد زیادی متأثر از ادراکات نادرست شماختی/روانی آنان (مبنی بر کوچک‌انگاری توان مقاومت) بود، جدی گرفته نشد. امری که سبب شد، سامان اطلاعاتی اسرائیل - حتی فرهنگ سازمانی و آزمون‌های روان‌شناسی در جریان فرایند گزینش افسران اطلاعاتی - را دستخوش تغییر کند. بنابراین از ابتدا مباحث عمیق در مجامع اطلاعاتی دشمن با هدف آسیب‌شناسی/بازنگری در سامان اطلاعاتی آن در جریان است. این مهم، حائز نکات فراوانی برای الگوبرداری جبهه‌ی مقاومت در تنظیم آرایه‌های اطلاعاتی (از سنسورهای جمع‌آوری گرفته تا مهندسی نظام‌های پایش و تحلیل اماره‌های اطلاعاتی و انتقال آن به رؤس تصمیم‌گیری) است. در همین جنگ است که شاهد به‌کارگیری سامانه موسوم به اسطخدوس (لاوندر) از سوی ارتش صهیونی در تحلیل دائمی و برخط چهره اهالی غزه مبتنی بر هوش مصنوعی آموزش‌دیده با پایگاه اطلاعاتی ویژگی‌های بیومتریک اعطای مقاومت و هدفگیری خودکار آنان (با وجود احتمال خطای فراوان) هستیم. انگار اسرائیل تصویر تاریک فیلم‌های هالیوودی سیطره‌ی ربات‌ها و هوش ماشینی آنان در استقرار نظام درنده‌خو و سفاک مسلط بر ((انسان)) را به واقعیت مبدل کرده است.

**۳. تکانه شدید ارزش‌های انسانی:** جنگ طوفان الأقصى را تا حد زیادی می‌توان آغازی بر پایان ((اخلاق جنگ)) دانست. کلیدواژه ((انتقام))، واژه پرتکرار سربازان ارتش اسرائیل است که مدعی لزوم مجازات دسته‌جمعی اهالی غزه هستند. سیلاب انگاره‌های فاشیستی صهیونیسم مذهبی موسوم به کاهانیسم، اندک ارزش‌های اخلاقی حاکم بر جامعه‌ی صهیونیستی را با خود برد و به صورت نسخه‌ی اسرائیلی و

تقویت‌شده‌ی گوانتانامو و ابوغریب در قالب «اردوگاه جهنمی<sup>۱</sup> سده تیمن» تبلور یافت. روح غالب جامعه اسرائیلی که خود آن را «سگ دیوانه» می‌خوانند، ابرهای انتقام را تنها بر سر اهالی غزه متمرکز می‌کند، بلکه حملات پوگروم<sup>۲</sup> گونه‌ی شهرک‌نشینان به فلسطینیان کرانه‌ی باختری را هم در بر می‌گیرد. همه‌ی این موارد در حالی است که جامعه‌ی جهانی در سکوتی مرگبار شاهد و ناظر این جنایات است. موردور اسرائیل با جلوداری نتانیاهو به مثابه سائورون در حال انتقام از نه‌فقط فلسطینیان و مسلمین بلکه جامعه‌ی بشری است.

**۴. جامعه‌ی عصبی اتمیستی در مقابل نسل نوین مقاومت:** در حالی که عصیت کاهانیستی (سلفیت یهودی) در جامعه‌ی یهودی توسعه یافته، نسل نوین مقاومت در حال نضج یافتن است. مبارزات دانشجویان دانشگاه‌های اروپایی و آمریکایی، خیزش هسته‌های خاموش مقاومت از میان جوانان اردن و فلسطینیان ساکن اراضی اشغالی ۱۹۴۸ خود بیان‌گر نسل نوین و ادامه‌دار مقاومت است. ادامه‌دار از آن‌رو که در نمونه‌ی دانشجویان دانشگاه کلمبیا، فارغ‌التحصیلان و معترضان پیشین این دانشگاه در دوران اعتراضات ضد جنگ ویتنام و ضد آپارتاید، به دانشجویان و معترضان کنونی به نسل‌کشی در فلسطین، تاکتیک‌های مؤثر اعتراض و خشونت خیابانی را می‌آموختند. یا در مورد دیگر شهید ماهر دیاب حسین الجازی، مجری عملیات تیراندازی و هلاکت سه سرباز اسرائیلی، ادامه‌دهنده‌ی راه پدر و پدربزرگش از قبیله‌ی اصیل الحویطات اردن در مبارزه با دشمن صهیونی بوده است. فرزندان مقاومت غزه، در نمایش نوینی از مقاومت شبکه‌ای برای فریاد «زنده بودن غزه» ویدئوهای روتین روزانه و یا جعبه‌گشایی کمک‌های ارسالی را در یوتیوب منتشر می‌کنند تا به هم‌نسلی‌هایشان که مشغول بارگذاری روتین‌های روزانه‌شان شامل «مدیتیت کردن»، «انرژی گرفتن از بودن در کنار اعضای خانواده» و «روتین پوستی‌شان با محصولات برند تاجا» هستند و یا از اپل ویزن پرو خودشان جعبه‌گشایی می‌کنند، برسانند که آن‌ها هم هرچند در زیر سروصدای حرکت شنی‌های تانک‌ها و یا زوزه‌ی پهپادها و در نبود اعضای خانواده‌شان برای «انرژی گرفتن» هنوز پرنرژی، «نفس می‌کشند». هم‌سالان ایرانی هم هرآنچه دارند در پویش ایران همدل، در طبق اخلاص تقدیم می‌کنند؛ علاوه بر خیل عظیم طلا



۱. به‌تعبیر مؤسسه‌ی حقوق بشری اسرائیلی بتسلم  
۲. منظور حملات گروهی به منظور نسل‌کشی است که یهودیان معتقدند در طول تاریخ، قربانی این قبیل حملات در سلسله حملات یهودستیزانه شده‌اند.



و جواهرهای اهدایی صحنه‌هایی مثل آن دانش‌آموز مجتهد آموزشی امام صادق (ع) که کنسول پلی‌استیشن ۵ خود را که با ارزش ترین دارایی اش است، را با اصرار به کاروان کمک‌ها می‌دهد، صحنه‌ی بدیعی از آگاهی نسلی ارائه می‌دهد. همه‌ی این‌ها در حالی است که کشور تحت شدیدترین فشارهای اقتصادی است. این آگاهی به آگاهی طبقاتی محدود نمی‌شود بلکه نسل‌ها و قومیت‌ها را در می‌نوردد و به مرزهای «آگاهی امت» سینه می‌ساید. در طرف مقابل، اما، غیریت‌سازی کاهانیستی، انسجام اجتماعی صهیونی را نابود و آن را به مرزهای اتمیستی شدن نزدیک کرده است. این راست‌گرایان یهودی، آتش نفرت خود را علاوه بر اعراب، متوجه هر جماعتی که نظر دیگر نسبت به نحوه‌ی جنگ داشته باشد می‌کنند - از نخبگان نظامی منتقد تاکتیک‌ها و نه اهداف کلی جنگ گرفته تا چپ‌گرایان ضدجنگ.

**۵. تحول جنگ‌های نامتقارن: مقاومت، تکنیک‌های رزمی پیشرویی را در مقابل دشمن صهیونی به نمایش گذاشته است؛ راهبرد تونل‌سازی، موفقیت خود را به گونه‌ای اثبات کرده است که علاوه بر تهاجمی‌ترین سلاح و زیرساخت در منظر دشمن، او را وادار کرده است که با وجود برخورداری از سامانه‌های چندلایه‌ی پدافند موشکی، شهر زیرزمینی حیفا در زیر بندر این شهر و میزبان تاسیسات حیاتی آن را احداث کند. ضمن آنکه تکنیک‌های مقاومت در شکار مرکاواهای پرطمطراق با یاسین ۱۰۵ و عبور از مرزهای محافظت شده با دیوارهای بتونی و رگبارهای اتوماتیک مجهز به هوش مصنوعی، یا عبور حیرت‌انگیز پهپادهای مقاومت از سامانه‌های پدافندی و یا توان مقاومت یمن در قطع یکی از شریان‌های دریایی دشمن، همگی نشان از نوع جدیدی از جنگ‌های نامتقارن است. توان شلیک دائمی راکت به اراضی اشغالی، همان چیزی است که نخبگان نظامی اسرائیل پیش از طوفان الاقصی و با مشاهده‌ی جنگ اوکراین نسبت بدان هشدار می‌دادند و آن «نگرانی از توان تامین جریان پایدار شلیک» است؛ نخبگان نظامی اسرائیل تاکید می‌کنند که اگر نبود کمک‌های سخاوتمندانه‌ی تسلیحاتی آمریکا و هم‌پیمانان، رژیم را یارای مقاومت در برابر هسته‌های مقاومت پراکنده در سرتاسر «حلقه‌ی آتش» نبود. در حوزه‌ی «تبلیغات جنگ» نیز موضوعات بدیعی قابل مطالعه است؛ ویدئوهای شکار نیروها و ادوات سنگین دشمن با مثلث معروف سرخ رنگ حماس، یکی از مباحث ویژه در شرایط هژمون رسانه‌ای دشمن است. مضاف بر اینکه حتی تلگرام بسترهای مقاومت را بسته است. این در حالی است که «اداره سانسور**

نظامی اسرائیل و کنترل روانی جبهه داخلی دشمن)) از یکسو و «عملکرد موفق رسانه‌ی الجزیره» از سوی دیگر، از مباحث قابل توجه است.

در هر حال، برخی از موارد فوق در خلال تاملات دانشجویان و اعضای «هسته‌ی مطالعات فلسطین و رژیم صهیونیستی دانشگاه امام صادق (ع)» در قالب «گاهنامه‌ی شهدای تل قرین» بررسی شده است. اگرچه هر کدام از این موارد خود مجال‌ی جدا می‌طلبند، لکن از آن جهت که این گاهنامه به‌عنوان نقطه‌ی تولد و سکوی پرتاب ایده‌های علمی عمل می‌کند، تلاش داشته تا فرایند شکل‌گیری «بررسی دانش‌بنیان و علمی مباحث رژیم صهیونیستی» را دست‌کم در مرحله‌ی ایده‌پردازی، تسهیل کند. «هسته‌ی مطالعات فلسطین و رژیم صهیونیستی دانشگاه امام صادق (ع)» همچون همیشه، در نظر دارد محفلی برای جمع‌بندی، تقویت و راهبری ایده‌های علمی ناظر به مسائل فلسطین اشغالی بماند. از همین رو همکاری گرم همه‌ی اعضای جامعه‌ی علمی و دانشجویان و اساتید را در این مسیر جهادگونه، ارج می‌نهد.







## اعراب ۴۸ و نبرد طوفان الأقصى

◀ محمد جواد قصابی فرد

### مقدمه

شهروندان عرب اسرائیل که با عنوان اعراب ۴۸ یاد می‌شوند بزرگترین اقلیت جمعیتی اسرائیل می‌باشند و یک پنجم جمعیت اسرائیل را شکل می‌دهند. این جماعت تاریخ پر فراز و نشیبی را از زمان اشغال سرزمین فلسطین تجربه نموده‌اند. در زمینه درگیری اسرائیل-فلسطین، اعراب ۴۸ همواره در موقعیتی پیچیده قرار داشته‌اند. آن‌ها از یک سو شهروند اسرائیل هستند و از سوی دیگر، پیوندهای قومی و فرهنگی عمیقی با فلسطینیان ساکن غزه و کرانه باختری دارند. این وضعیت باعث شده تا در زمان درگیری‌ها، اعراب ۴۸ اغلب احساسات دوگانه‌ای را تجربه نمایند. اعراب ۴۸ در مقاطع مختلف ثابت نموده‌اند که توان و ظرفیت قابل توجهی برای اقدام علیه رژیم صهیونیستی و حمایت از قضیه فلسطین دارند؛ اوج این مسئله را

می‌توان در نبرد سیف القدس سال ۲۰۲۱ شاهد بود. با این وجود، اعراب اسرائیلی در جریان عملیات طوفان الأقصى و جنگ غزه، نقش محدود و کم‌رنگی را ایفا نمودند. در این یادداشت پس از بررسی ظرفیت‌های موجود در اعراب ۴۸، به واکاوی دلایل عدم مشارکت فعالانه آن‌ها در حوادث پس از ۷ اکتبر خواهیم پرداخت.

## ۱. جماعت اعراب ۴۸ و حضور آنان در جامعه و سیاست اسرائیل

جمعیت اسرائیل در پایان سال ۲۰۲۳ حدود ۹ میلیون و ۸۴۲ هزار نفر اعلام شده و سهم اعراب از این تعداد ۲ میلیون و ۸۰ هزار نفر است. تمرکز جمعیتی اعراب اسرائیلی در پنج منطقه‌ی شمال اسرائیل، منطقه مثلث شمالی، صحرای نقب، شهرهای مختلط و قدس شرقی است. اکثریت جمعیت اعراب در اسرائیل را مسلمانان (۸۲/۹٪) تشکیل می‌دهند؛ دروزی‌ها (با ۹/۲٪) و مسیحیان (با ۷/۹٪) در رتبه‌های بعدی جای دارند.

اعراب اسرائیل، در مقایسه با یهودیان و سایر گروه‌های جمعیتی در فلسطین اشغالی، جمعیتی بسیار جوان محسوب می‌شوند؛ میانگین سنی آن‌ها ۲۴ سال بوده در حالی که این عدد برای یهودیان ۳۲ سال است؛ البته میانگین سنی در برخی مناطق (مثل نقب) بسیار پایین‌تر (۱۷/۴) است. باید در نظر داشت که با سیاست‌های اتخاذ شده نرخ باروری در حال حاضر بین یهودیان و مسلمانان برابر شده است.<sup>۱</sup> علاوه بر جمعیت قابل توجه، میانگین سنی پایین و پراکندگی جغرافیایی، شهروندان عرب اسرائیلی در عمده‌ی بخش‌های جامعه و سیاست اسرائیل حضور داشته و ظرفیت فعالیت در حوزه‌های گوناگون را دارا می‌باشند.

### فعالیت‌های سیاسی - حزبی و حقوقی

اعراب اسرائیلی در قالب حزب‌های عربی به‌صورت رسمی در کنست اسرائیل صاحب کرسی هستند. دفاتر احزاب عربی و نمایندگی‌های آن در مناطق مختلف از ظرفیت‌های سیاسی عرب ۴۸ به شمار می‌آید. در کنار نمایندگان عرب پارلمان، وکلای عرب نیز با توجه به جایگاه حقوقی خود، جزوی از قوه قضائیه رژیم صهیونیستی هستند؛ نقش وکلای عرب در برملاسازی جرایم رژیم صهیونیستی در پرونده‌هایی نظیر زندان سده تیمن<sup>۲</sup> نشان از سطح دسترسی و توانایی‌های این افراد دارد.

### حضور در دستگاه‌های امنیتی و نظامی

۱. Israel Central Bureau of Statistics. (۲۰۲۱). Population of Israel on the Eve of ۲۰۲۲.

۲. Sadiéh Timan



تعداد قابل توجهی از اعراب دروزی، چرکس و بدوی (به‌ویژه بدوی‌های شمال اسرائیل) در دستگاه‌های نظامی و امنیتی خدمت می‌کنند و وظایفی از جمله شناسایی، جمع‌آوری اطلاعات و نفوذ را برعهده دارند. پلیس اسرائیل نیز برای مواجهه‌ی هرچه بهتر با اقلیت‌هایی نظیر اعراب و اتیوپیایی‌ها، اقدام به جذب افسرانی از میان همان جوامع کرده است.<sup>۱</sup>

### بادیه‌نشینان مسلح

یکی از مراکز تجمع عمده‌ی اعراب در فلسطین اشغالی، بادیه‌نشینان صحرای نقب هستند. عشایر ساکن در نقب عمدتاً مسلح بوده و سابقه‌ی جنگ‌های خاندانی در این منطقه بیان‌گر استفاده‌ی طرفین از بمب‌ها و اسلحه‌های سنگین ضد یکدیگر و دسترسی به اسلحه در مقیاس بالا دارد.<sup>۲</sup>

### باندهای تبهکاری

باندهای تبهکاری عربی در فعالیت‌های مختلفی از جمله اخاذی، قاچاق مواد مخدر، قاچاق اسلحه و پولشویی دست دارند و به‌دلیل ساختار خاندانی و عشیره‌ای این گروه‌ها، نفوذ در سازمان آن‌ها و شناسایی اقداماتشان دشوار است. به عنوان مثال، طبق گزارش شاباک، در سال ۲۰۱۶، یک شبکه‌ی قاچاق عربی از منطقه شقیب السلام نقب، بیش از ۱۰۰ خودروی شاسی بلند (SUV) را به داخل نوار غزه قاچاق کرده است؛<sup>۳</sup> در بازجویی از عناصر این گروه مشخص شد که این افراد از همکاری با حماس مطلع بوده‌اند. علاوه بر این درگیری و سرقت مسلحانه نیز در جرائم اعراب اسرائیلی پرتکرار است.

## ۲. مشارکت اعراب ۴۸ در نبرد سیف القدس

عملیات سیف القدس (شمشیر قدس) در ماه مه ۲۰۲۱ یکی از نقاط عطف مهم در تاریخ درگیری اسرائیل و فلسطین بود. در این عملیات، برای اولین بار شاهد مشارکت گسترده و فعال اعراب ۴۸ یا فلسطینیان شهروند اسرائیل بودیم. در این نبرد مناطق مختلف عرب‌نشین در سرزمین‌های اشغالی عرصه درگیری بعضاً مسلحانه اعراب با نیروهای پلیس صهیونیستی و یهودیان صهیونیست بوده است. به عنوان نمونه در شهر اللد، جوانان عرب یک کنیسه یهودی و ده‌ها منزل و خودروی یهودیان را به آتش کشیدند و با حمله به ساختمان شهرداری

۱. <https://www.idi.org.il/articles/۲۹۶۳۸>

۲. <https://aljarmaq.net/post/۲۰۱۷۰>

۳. <https://shabak.gov.il/reports/publications/newitem۲۱۴۰۹۱۶/>

این شهر، برای ساعاتی کنترل شهر را برعهده گرفتند.<sup>۱</sup> در جریان این نبرد بیش از ۱۷۰۰ عرب اسرائیلی از مناطق مختلف دستگیر شدند که اتهام بسیاری از آنها، تیراندازی، ساخت و حمل سلاح، آتش زدن اموال یهودیان و اعمال خشونت‌آمیز بوده است.<sup>۲</sup>

نتیجتاً از آن چه بیان شد معلوم می‌شود که اعراب اسرائیلی از نظر جمعیت، جوانی، پراکندگی جغرافیایی، دسترسی به بخش‌های مختلف، در اختیار داشتن اسلحه و توان اقدام علیه رژیم صهیونیستی ظرفیت بالقوه قابل توجهی در خود دارند و بخشی از این ظرفیت را نیز در مقاطع مختلف از جمله نبرد سیف القدس ۲۰۲۱ و عملیات‌های شهادت طلبانه متعدد به نمایش گذاشته‌اند. اما با این وجود مشارکت این جماعت در جریان عملیات طوفان الأقصى و جنگ غزه بسیار محدود و کم‌رنگ بوده است. دلیل این مسئله را باید در سیاست رژیم صهیونیستی در قبال اعراب ۴۸ و اعمال بازدارنده‌ای که این رژیم به آنها دست زده است جستجو کرد.

### ۳. سیاست اسرائیل در قبال اعراب ۴۸

سیاست‌های رژیم صهیونیستی در قبال اعراب ۴۸ بسیار سختگیرانه و سرکوبگرانه است، به ویژه پس از آغاز نبرد طوفان الأقصى در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ این سیاست‌ها شدت بیشتری یافته است. همین مسئله باعث شد تا اعراب قدرت‌کنشگری خود را از دست داده و نتوانند دست به اقدامات مؤثری نظیر حوادث نبرد سیف القدس در سال ۲۰۲۱ بزنند.<sup>۳</sup>

**الف) اعمال حالت اضطراری و سرکوب گسترده:** پس از شروع درگیری‌ها، رژیم اسرائیل بلافاصله وضعیت اضطراری اعلام کرد و نیروهای امنیتی، از جمله پلیس و شاباک (سرویس امنیت داخلی اسرائیل)، با شدت تمام وارد عمل شدند. آن‌ها به طور گسترده‌ای افرادی را که کوچکترین حمایتی از مقاومت نشان داده یا در تظاهرات شرکت کرده بودند، مورد پیگرد قرار داده و بازداشت کردند.

**ب) محدودیت‌های اجتماعی و سیاسی:** در این دوره، هرگونه فعالیت اعتراضی و انتقادی علیه جنگ با محدودیت‌های شدید مواجه شد. حتی تجمعات مسالمت‌آمیز نیز با خشونت سرکوب شده و شرکت‌کنندگان با برخوردهای قهری مواجه شدند. این محدودیت‌ها عملاً هرگونه امکان اعتراض مدنی را از فلسطینیان ساکن اسرائیل سلب کرد.

۱. روزنامه الأيام، رام الله، ۲۰۲۱/۵/۱۲

۲. پایگاه تحلیلی عرب ۴۸، ۲۰۲۱/۵/۲۸



**ج) ایجاد فضای ترس و ارباب:** با افزایش خشونت‌های سیاسی و اجتماعی علیه فلسطینیان ۴۸، فضای رعب و وحشت در جامعه گسترش یافت. دولت اسرائیل از تاکتیک‌های مختلف ارباب و دلسردسازی استفاده کرد تا این جماعت را از هرگونه واکنش و اعتراض باز دارد.

**د) بازداشت‌های گسترده و احکام سنگین:** موج گسترده‌ای از بازجویی‌ها و بازداشت‌ها علیه فلسطینیان ۴۸ به راه افتاد که در نتیجه آن، صدها نفر دستگیر شدند. برای حداقل ۱۷۰ نفر از این افراد پرونده‌های قضایی سنگین تشکیل شد و احکام طولانی‌مدت صادر گردید که نشان از رویکرد سختگیرانه سیستم قضایی اسرائیل دارد.

**ه) تبعیض در محیط‌های دانشگاهی و شغلی:** در محیط‌های آکادمیک و کاری، فلسطینیان ۴۸ با تبعیض‌های گسترده‌ای روبرو شدند. بسیاری از آن‌ها به دلیل ابراز مخالفت با جنگ، از دانشگاه‌ها اخراج شده یا موقعیت‌های شغلی خود را از دست دادند. این تبعیض‌ها تأثیر عمیقی بر زندگی حرفه‌ای و تحصیلی این افراد بر جای گذاشت.

#### **۴. دلایل عدم مشارکت فعال اعراب ۴۸ در عملیات طوفان الأقصى و جنگ غزه**

**الف) سرکوب شدید و فضای امنیتی:** فشارهای امنیتی شدید و سرکوب گسترده، عملاً هرگونه امکان فعالیت مؤثر را از فلسطینیان ۴۸ سلب کرد. ترس از پیامدهای قانونی و امنیتی، مانع بزرگی در برابر مشارکت آن‌ها در حمایت از مقاومت در غزه ایجاد کرد.

**ب) نگاه امنیتی اسرائیل به فلسطینیان ۴۸:** دولت اسرائیل با نگاهی امنیتی به این گروه به عنوان تهدید و دشمن بالقوه نگریسته و همین دیدگاه موجب تشدید فشارها و محدودیت‌ها علیه آن‌ها شده است.

**ج) تضعیف روحیه جمعی:** سیاست‌های سرکوبگرانه و ایجاد فضای ترس، تأثیر عمیقی بر روحیه جمعی فلسطینیان ۴۸ گذاشته و توان مقاومت و همبستگی را در این جامعه به شدت کاهش داده است. همین مسئله موجب شده است تا جنبش‌هایی نظیر آن چه در نبرد سیف القدس به وجود آمد را در مورد جنگ غزه شاهد نباشیم.

**د) جداسازی از دیگر فلسطینیان:** سیاست‌های هد فمند اسرائیل برای ایجاد شکاف

بین فلسطینیان ۴۸ و سایر فلسطینیان، مانع از شکل‌گیری همبستگی و حمایت مؤثر گردیده و عملاً این گروه را از بدنه اصلی جنبش فلسطین جدا نموده است.

**ه) محدودیت‌های ارتباطی و رسانه‌ای:** با اعمال کنترل شدید بر رسانه‌ها و ارتباطات، امکان سازماندهی و اطلاع‌رسانی برای فلسطینیان ۴۸ بسیار محدود است. این محدودیت‌ها مانع از شکل‌گیری جریان‌های اعتراضی منسجم، هماهنگ و مؤثر شده است.

## ۵. نتیجه‌گیری

عدم مشارکت فعالانه اعراب ۴۸ در جریان نبرد طوفان الأقصى و جنگ غزه را می‌توان نتیجه مجموعه‌ای پیچیده از عوامل دانست که بر موقعیت منحصر به فرد این گروه در جامعه اسرائیل تأثیر گذاشته است. در وهله اول، ماهیت غیرمنتظره و شدت حمله حماس، شوکی عمیق در کل جامعه اسرائیل، از جمله اعراب ۴۸، ایجاد کرد. این شوک اولیه، همراه با محکومیت گسترده خشونت علیه غیرنظامیان، صرف نظر از هویت قربانیان، باعث شد تا بسیاری از اعراب ۴۸ در ابراز واکنش‌های تند احتیاط کنند. اما عامل اساسی در این عدم مشارکت و یا مشارکت محدود را باید در سیاست اعمالی رژیم صهیونیستی در قبال اعراب جستجو کرد؛ سیاست سرکوب، اعراب و جداسازی اسرائیل در قبال اعراب ۴۸، عامل اصلی در عدم مشارکت فعال آن‌ها در عملیات طوفان الأقصى و جنگ غزه بوده است. این سیاست‌ها نه تنها مانع از حمایت مستقیم آن‌ها از مقاومت شده، بلکه به تضعیف هویت ملی و همبستگی در میان این جامعه نیز انجامیده است. با این حال ظرفیت‌های اعراب ۴۸ برای اقدام علیه رژیم صهیونیستی پابرجاست و احتمال باز شدن جبهه اعراب علیه اسرائیل از درون این رژیم هرگز منتفی نخواهد بود.







# کلان روایتِ راهبرد و سیاست پساً طوفان الاقصی

◀ امیرکیوانی

## مقدمه

حدود یک سال از طوفان الاقصی گذشت، در این مدت، حوادثی به وقوع پیوست که کمتر کسی احتمال آن را می‌داد. از ایستادگی‌های پر قدرت جبهه مقاومت تا ترور رهبران کم نظیر آن، از تلفات سنگین ارتش رژیم صهیونیستی تا محاصره کامل نوار غزه و جنگ لبنان و... اینها تنها بخش کوچکی از حوادث ظاهری یک ساله در نبرد طوفان الاقصی است. اما بخش قابل توجه دیگر در پشت تصویر ماجراست که می‌تواند آینده جنگ را رقم زده و سرنوشت منطقه را تغییر داده و یا بعدها از آن به عنوان نقطه عطفی در تاریخ روابط بین الملل در جهان یاد شود.

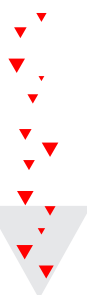
## ۱- راهبردها و سیاست‌ها

یکی از مهمترین ابعاد جنگ غزه را باید آینده‌نگری و عقلانیت طرفین درگیر در آن دانست. در این چارچوب، تمامی اقدامات طرفین به نوعی آینده‌نگری را نیز با خود به همراه دارد؛ چراکه آیندگان هستند که فردا قضاوت خواهند کرد و از آنجایی که تاریخ را فاتحان می‌نویسند، عدم موفقیت هر یک از طرفین در رسیدن به اهداف تعیین شده، نشان از شکست آن خواهد بود. بیان یک نکته در اینجا حائز اهمیت است؛ که درگیری اصلی در کف میدان هنوز میان نیروهای نامنظم گروه‌های مقاومت با ارتش کلاسیک رژیم صهیونیستی است و از آنجایی که قصد ارتش کلاسیک، نابودی کامل رزمندگان نامتقارن بوده و با حذف رهبران، تصرف و تثبیت زمین، قصد رسیدن به این اهداف خود را دارند؛ در مقابل نیروهای چریکی در جهت شکست اراده سیاسی طرف مقابل خود که به روش منظم می‌جنگند گام بر می‌دارند و تا زمانی این معادله پا برجاست، گروه‌های مقاومت، شکست نخورده و ارتش قدرتمند رژیم صهیونیستی پیروز نخواهد شد. باید توجه داشت که فاکتور زمان برای ارتش منظم، حیاتی‌تر خواهد بود. می‌توان گفت که استراتژیست‌های صهیونیست با یک تغییر استراتژی مهم سعی در تغییر جریان نبرد را داشتند؛ بدین صورت که با تجربه دریافتند که دکترین اختاپوس که هدف اصلی را زدن راس کار می‌دانست و مرگ با هزار زخم، مکمل این دکترین بود، در نبردی مانند طوفان الاقصی نمی‌تواند تامین کننده اهداف نبرد باشد پس در تغییری بسیار نامحسوس به سمت دکترین پاد اختاپوس حرکت کرد. می‌توان گفت تجربه سال‌ها نبرد آنان با اعراب این استراتژی را به آنان آموخت که با شکستن اتحاد نیروهای مقابل و حمله برق‌آسا، یکی یکی آنان را از میدان به در کرده تا به دشمن اصلی خود یعنی ایران برسد. چراکه بنابر نگرش بروز شده آنان، ایران میدان را به روش همان جنگ نیابتی<sup>۱</sup> ترسیم نموده و با زدن تک تک بازوان این اختاپوس و نابودی به اصطلاح پراکسی‌ها (متحدین استراتژیک ایران)، سپس می‌توان هدف اصلی را با زحمت بسیار کمتر نابود نمود. اما باز تعریف دکترین وحده الساحات و اتحاد منسجم جبهه‌ها با تمام کم و کاستی‌های خود، این اجازه را نداده و پویاتر از قبل در حال گشودن جبهه‌های جدید است.

## ۲- مساله بازدارندگی

موضوع بازدارندگی یکی از مهمترین موضوعاتی است که در بررسی جنگ اخیر باید مورد توجه قرار گیرد. عدم گسترش درگیری‌ها، پایان منازعات و ورود به مرحله آتش بس در پسا

۱. proxy wa



طوفان الاقصی، نیازمند بازسازی بازدارندگی طرفین است. چراکه در صورت عدم وجود بازدارندگی برای طرفین درگیر، حتی در شرایطی که درگیری همه‌جانبه به وقوع نپیوسته است، رفت و برگشت‌های پینگ‌پنگی موجب وخیم‌تر شدن اوضاع شده و آتش‌بسی رخ نخواهد داد. بازدارندگی در واقع به عدم اقدام نظامی یک کشور علیه کشور دیگر گفته می‌شود که در سایه پاسخ معتبر نظامی در صورت تعدی به خطوط قرمز آن کشور تعریف می‌شود. بازدارندگی بر مبنای سه جزء استوار است: (۱) ارتباط (۲) توانایی (۳) اعتبار<sup>۳</sup>. وجود هر سه این اجزاء موجب تأمین بازدارندگی شده و نبود یا ضعف حتی یکی از این اجزاء باعث از بین رفتن بازدارندگی می‌شود، فرآیندی که برای ایران رخ داد. در جزء اول، یک کشور از طریق ارتباط سازنده خود به طور مستقیم یا به صورت غیرمستقیم برای طرف مقابل، خطوط قرمز خود را ترسیم نموده و حدود تخطی از آن را مشخص می‌نماید که ایران سال‌هاست از طریق رسانه‌های رسمی، غیررسمی و میانجی‌های مختلف این خطوط را برای رژیم ترسیم نموده است. در جزء دوم باید توانمندی اقدام تنبیهی در صورت تجاوز به خطوط قرمز نیز برای طرف مقابل مشخص شود که ایران بارها و بارها در رویدادهای مختلف، این توانمندی را در معرض دید دشمن قرارداد. اما جزء سوم که اعتبار انجام پاسخ قدرتمند نظامی است با ارسال پیام‌های غیرمستقیم ضعف، موجب شد که دیدبان ماشین جنگ‌هاکریا به این نتیجه برسد که بر مبنای دکترین مابام (جنگی میانه جنگ‌ها)، می‌تواند به ایران و متحدینش ضربه زده و پله به پله این ضربات را قدرتمندتر نماید و این‌گونه بود که به اشتباه بخشی از مقامات داخلی و گروهی از نظریه‌پردازان خارجی، این اقدامات رژیم صهیونیستی را تله جنگی فرض کرده که رژیم و متحدینش آن را ترسیم نموده‌اند. وعده صادق ۱ و ۲، علاوه بر اقدام متقابل تنبیهی، در جهت ترمیم و ترسیم بازدارندگی جدید گام برداشته که حمله دوباره رژیم صهیونیستی نشان از عدم استقرار بازدارندگی با این سطح از برخورد است و این رفت و برگشت‌های پینگ‌پنگی ناگزیر به نبرد همه‌جانبه ختم خواهد شد.

### ۳- توسعه کمی و کیفی جنگ

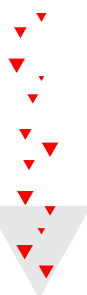
با توجه به آنچه گفته شد، در وضعیت کنونی، هر یک از طرفین جنگ به دنبال افزایش شانس بقای خود و دستیابی به راهبرد خود در این کلان روایت جنگ بوده و در این راه از هیچ امکاناتی کوتاهی نمی‌کند. جبهه مقاومت با دست گذاشتن بر شریان‌های اقتصادی رژیم و تنگ نمودن

۱. communication

۲. capability

۳. credibility

رفته‌رفته آن قصد امتداد نبرد پلکانی در دیگر حوزه‌ها را دارد به علاوه با ناامن نمودن سرزمین‌های اشغالی قصد بروز بی‌اعتمادی عمومی نسبت به نیروهای به اصطلاح افسانه‌ای و شکست‌ناپذیر رژیم صهیونیستی را داشته که تا میزان زیادی نیز موفق شده است و یکی از کارکردهای همراه با سرو صدای زیاد رسانه‌ای در جهت استقرار سامانه نه‌چندان موفق تاد نیز همین موضوع بوده است. در مقابل صهیونیست‌ها لابی‌های قدرتمند خود را در جهان فعال نموده تا بتواند بیشترین کمک‌ها را جمع‌آوری نموده و در نبرد، بر جبهه مقاومت، پیروز شود. می‌توان به صراحت اعلام نموده که در صورت نبود دیپلماسی پنهان و لابی‌گری‌های صهیونیست‌ها، اسرائیل زودتر از آنچه که فکرش را نمایید به‌زانو درآمده و تنها مشکلات داخلی آن را به ورطه فروپاشی می‌کشاند. اما امروزه مشاهده می‌کنیم که هزینه‌های نظامی برای این رژیم هیچ اهمیتی نداشته و به هر میزان که تسلیحات استفاده می‌کنند، به سرعت با بروزترین تجهیزات غربی جایگزین می‌شود و یا موج‌های حمایت از فلسطین در اروپا به سرعت سرکوب شده و اجازه گسترش به آن را نمی‌دهند؛ حتی به عقیده برخی از اندیشمندان روابط بین‌الملل، پس از طوفان الاقصی و عدم کارایی سازنده سازمان ملل در پایان آتش‌بس، به اعتبار این سازمان ضربه‌ای جبران‌ناپذیر واردآمده و رفته‌رفته در حال از دست دادن کارکرد خود است چراکه گروهی بر این باورند که سازمان ملل باهدف ایجاد صلح پایدار در جهان دست به مجموعه اقداماتی می‌زند که موجب تقدم صلح بر عدالت می‌شود، به بیان دیگر حتی اگر ناعدالتی در جهان علیه کشوری رخ دهد و صلح پابرجا بماند، بهتر از آن است که عدالت محقق شود اما جنگی رخ داده و انسان‌های زیادی در این جنگ کشته شوند؛ اما در شرایط کنونی فلسطین نه تنها عدالتی اجرا نمی‌شود بلکه صلح نیز مستقر نشده به‌گونه‌ای که هر روزه تعدادی از کارمندان این سازمان در این درگیری‌ها کشته می‌شوند و هیچ اقدام مؤثری در جهت توقف ماشین جنگی اسرائیل انجام نمی‌شود. در عمل می‌بینیم که مخالفان این جنگ در سازمان ملل و کسانی که قصد سنگ‌اندازی در اقدامات خصمانه صهیونیست‌ها را دارد، به طور مشکوکی از محل کار خود کنار گذاشته می‌شود. نمونه عینی آن کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل بوده است که پس از ماه‌ها فرایند طولانی در جهت تحقیق از این نبرد و زمان ارائه نتایج، به یک‌باره به بن‌بست رسیده و خروجی مشخصی ارائه نمی‌نماید. تمامی این تلاش‌ها نیز در جهت عدم پایان جنگ از سوی نتانیاهو و کابینه افراطی اوست. چراکه به گفته کارشناسان این رژیم، در صورت پایان جنگ و پایان حالت فوق‌العاده جنگی، این حقایق ملموس حاصل از نبرد است که نمایان شده و موجب از بین رفتن کابینه نتانیاهو می‌شود و در چنین شرایطی، انتخابات زودهنگام و تغییر کابینه، رژیم صهیونیستی را وارد مخاطره می‌نماید.







#### ۴- نتیجه گیری

جنگ غزه را نباید صرفاً در قالب جنگ های سابق رژیم صهیونیستی و اعراب و یا جنگ های آن با حزب الله لبنان و حماس تحلیل کرد. این جنگ در واقع بر اساس نگرش طرفین، برای ایجاد یک تغییر و تحول عمده در آینده مساله فلسطین و در سطحی وسیع تر، آینده غرب آسیا شکل گرفته است. در این میان، توانایی هر یک از بازیگران برای تحقق راهبردها و سیاست هایشان و ایجاد سطح جدید از بازدارندگی و توسعه کمی و کیفی منازعه نقش مهمی در آینده تحولات فلسطین و غرب آسیا خواهد داشت. مسلماً در این زمینه، این میدان است که نشان خواهد داد آینده چگونه رقم می خورد همان طور که کسی فکرش را نمی کرد که تنها در یک سال وضعیت به چنین نقطه انفجاری برسد.





# علل تاب‌آوری اقتصاد رژیم صهیونیستی پس از نبرد طوفان الاقصی

مهران مالداری

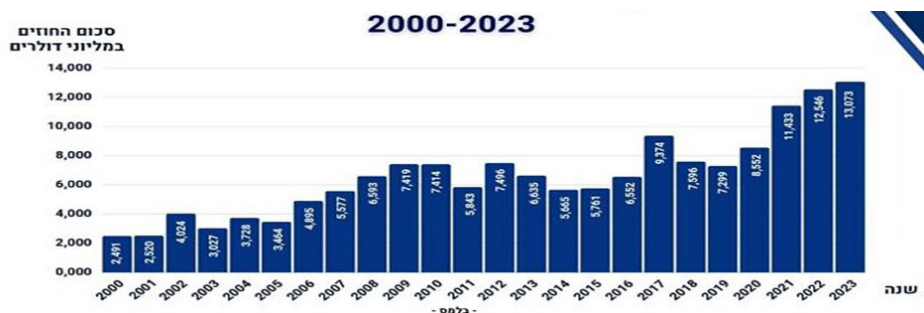
## مقدمه

اگرچه رژیم صهیونیستی تا دهه‌ی ۱۹۷۰ میلادی اقتصادی متمرکز بر کشاورزی و کیبوتص پایه داشت؛ اما پس از بحران‌های اقتصادی در دهه‌ی ۱۹۷۰ میلادی و قرابت سیاسی این رژیم با آمریکا، حکمرانی اقتصادی در فلسطین اشغالی شاهد تغییر و تمرکز بر سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین بود. طی دو دهه اخیر رژیم اسرائیل توانست اقتصادی برون‌زا مبتنی بر صنایع

۱. کیبوتص (عبری: קיבוץ / קיבוצים؛ به معنی گردهمایی، خوشه‌بندی) یک جامعه هدفمند در اسرائیل است که به‌طور سنتی بر پایه کشاورزی بنا شده است.



سرمایه‌گذاری خارجی به‌مثابه ابزاری دوطرفه در راستای اهداف و منافع کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه مورد استفاده قرار می‌گیرد. از یک سو کشورهای توسعه‌یافته به دلیل وفور سرمایه و باهدف به کار انداختن آن به سرمایه‌گذاری مبادرت می‌کنند و در مقابل کشورهای در حال توسعه نیز برای توسعه و شکوفایی اقتصادی خود تا حد زیادی به جذب سرمایه وابسته هستند. رژیم صهیونیستی در دو دهه اخیر ترجیح داد که به جای اخذ وام از نهادهای مالی و پولی بین‌المللی برای جذب سرمایه‌های خارجی از روش عقد قرارداد با سرمایه‌گذار خارجی استفاده کند. اسرائیل همواره میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی را به‌عنوان یکی از شاخص‌های اصلی سنگ محک اقتصاد خود برشمرده است. این ورود سرمایه در سالیان گذشته با سیاست‌گذاری‌های اقتصادی رژیم اسرائیل سبب شد امروزه بازار سرمایه فلسطین اشغالی در حوزه‌های نظامی، ارتباطات و فناوری اطلاعات مولد ارزش افزوده چشمگیری در اقتصاد داشته باشد.

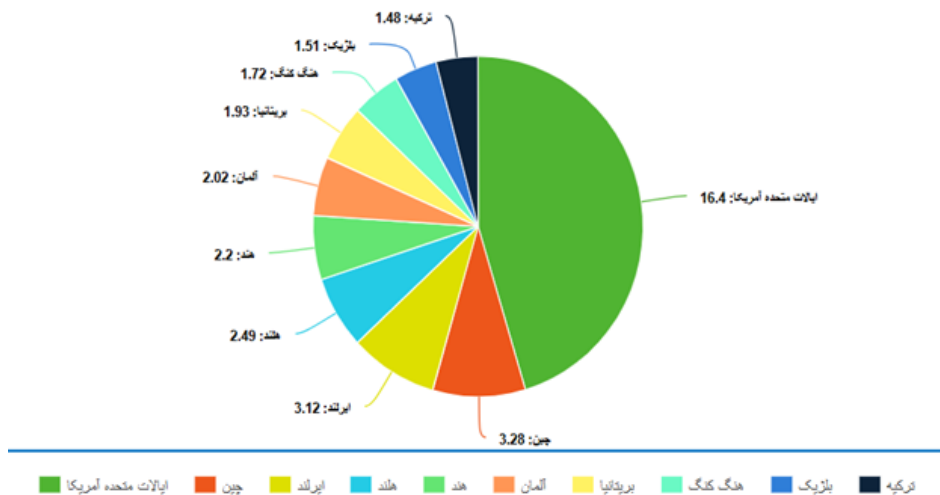


نمودار ۲- رشد درآمد خارجی رژیم صهیونیستی در حوزه فناوری‌های نظامی (۲۰۰۰ میلادی - ۲۰۲۳)

(آمار به میلیارد دلار است) منبع: مؤسسه سیبات (SIBAT)

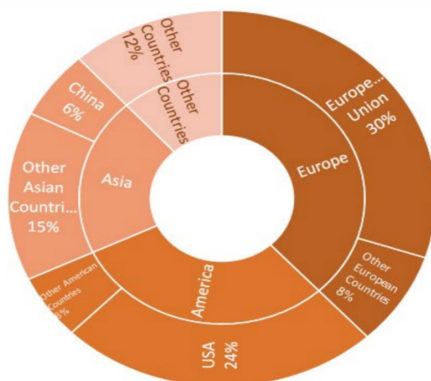
## ۲- گسترده‌گی شرکای تجاری

اقتصاد رژیم اسرائیل به دلیل برخورداری از مزیت مطلق در حوزه صنایع هایتک نسبت به سایر حوزه‌های تجاری، همواره یکی از محصولات اصلی این رژیم برای صادرات محسوب می‌شود. یکی از خواص صنایع هایتک محدود نشدن در مرزهای جغرافیایی و تحریمی است که سبب شد رژیم اسرائیل برخلاف روابط سیاسی عمیق با ایالات متحده، کشورهای چین را به‌عنوان شریک راهبردی تجاری خود برگزید.



شکل ۱- کشورهای مقصد کالاهای صادراتی رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۲۳

یکی دیگر از ویژگی‌های صنایع هایتک در سبد تجاری کشورها، ضریب نفوذ بالا در میان کشورهای در حال توسعه و یا حتی توسعه یافته است که به دلیل وجود مزیت نسبی نسبت به کشور واردکننده، کالای هایتک به سختی دچار جایگزینی خواهد شد.



شکل ۲- میزان پراکندگی صادرات رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۲۳

### ۳- کمک‌های مالی شرکای راهبردی

از ابتدای اعلام موجودیت رژیم نامشروع اسرائیل این رژیم به دلیل فقدان عمق راهبردی و عناصر تحکیم‌بخش حاکمیتی همواره به منطق فهمی امنیتی متوسل شده و همه ابعاد جامعه را در قامت ارتش خلاصه کرد. عرصه اقتصاد نیز یکی از این ابعاد است که رژیم اسرائیل با کمک‌های شرکای



راهبردی خود همواره سعی در احیای اقتصاد کوچک و سلولی خود داشته است.<sup>۱</sup> از دهه ۱۹۷۰ میلادی پس از قرابت معنادار سیاسی رژیم اسرائیل و ایالات متحده آمریکا، این کشور به رژیم اسرائیل با نگاهی به مثابه دژ مستحکم غرب در منطقه جنوب غرب آسیا-موسوم به خاورمیانه- می‌نگریست که برای استمرار نقش آفرینی آن در عرصه ژئوپلیتیک منطقه نیازمند مساعدت‌های تسلیحاتی و مالی بوده است. امروزه نیز روابط راهبردی ایالات متحده و رژیم اسرائیل نیز از این قاعده مستثنی نیست چرا که آمریکا در یک سال نبرد طوفان الاقصی از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ تا ۷ اکتبر ۲۰۲۴ مجموعه‌ای از بسته‌های حمایتی نظامی به ارزش ۱۷٫۹ میلیارد دلار به رژیم اسرائیل اعطا کرده است.

### U.S. military aid to Israel, 1959–2024



Data: USAID Overseas Loans and Grants, Congressional Research Service, P.L. 118-47, P.L. 118-50. Figures adjusted using GDP deflator. Years are fiscal years. More: [watson.brown.edu/costsofwar](http://watson.brown.edu/costsofwar)  
Chart: Stephen Semler (@stephensemiler) • Created with Datawrapper

نمودار ۳- کمک‌های نظامی ایالات متحده آمریکا به رژیم صهیونیستی از سال ۱۹۵۹ تا ۲۰۲۴

### ۴- نتیجه‌گیری

رژیم صهیونیستی از بدو شکل‌گیری، همواره به مسئله جنگ به مثابه راه‌حلی برای خروج از معضلات خود نگریسته و نهادهای رسمی حاکمیتی خود من جمله نهاد اقتصاد را در قامت عنصری برای پشتیبانی از لجستیک جنگ تعریف کرده است. به بیانی دیگر ضعف رژیم اسرائیل در عمق راهبردی و عناصر استحکام‌بخش حاکمیتی سبب شد، ماشین جنگ صهیونیستی همواره اقتصادی کوچک، سلولی و متکی بر شرکا راهبردی خود داشته باشد. به طوری که اگر تنفس مصنوعی مالی از سوی غرب بر پیکره اقتصادی رژیم صهیونیستی دمیده نشود، رژیم اسرائیل قادر به تاب‌آوری بر اساس الگوی اقتصاد مقاومتی کشورهای درگیر جنگ را نخواهد بود.

۱. . Bilmes, Linda J.; Hartung, William D.; Semler, Stephen (۷ October ۲۰۲۴). "United States Spending on Israel's Military Operations and Related U.S. Operations in the Region, October ۲۰۲۳, ۷ September ۲۰۲۴, ۳۰"







# هوش مصنوعی و جنگ غزه

◀ علی تقی زاده

## مقدمه

جنگ افزارهای مدرن در دهه‌های اخیر انقلاب عمیق و چشمگیری را در عرصه نظامی و امنیتی به وجود آورده‌اند. انقلاب در امور نظامی<sup>۱</sup> به تحولی بنیادین در روش‌های جنگی و استراتژی‌های نظامی اطلاق می‌شود که ناشی از پیشرفت‌های فناوری، به ویژه در زمینه اطلاعات و ارتباطات است. این تحول به نیروهای نظامی این امکان را می‌دهد که با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، به‌طور مؤثرتری در میدان نبرد عمل کنند و توانایی‌های خود را در تحلیل و پردازش اطلاعات ارتقاء دهند. هوش مصنوعی به عنوان یکی از کلیدی‌ترین و تحول‌آفرین‌ترین ابزارها در این عرصه به شمار می‌آید. این فناوری با قابلیت‌های خود در شناسایی و تحلیل داده‌ها، پیش‌بینی

۱. Revolution military affairs

رفتارهای دشمن و ماشینی کردن فرآیندهای تصمیم‌گیری، به نیروهای نظامی این امکان را می‌دهد که تصمیمات سریع و مؤثرتری در قبال تهدیدات اتخاذ کنند.

اسرائیل به عنوان یکی از پیشگامان توسعه هوش مصنوعی، به‌طور گسترده‌ای از این فناوری در صنایع نظامی و امنیتی خود استفاده کرده است. این رویکرد نوآورانه، اسرائیل را به یکی از قدرتمندترین کشورهای برآمده در زمینه فناوری‌های نظامی و امنیتی تبدیل کرده است. در این یادداشت تحلیلی، به بررسی نقش هوش مصنوعی در جنگ غزه خواهیم پرداخت و تأثیرات آن بر روندهای نظامی، چالش‌ها و خطرات احتمالی ناشی از استفاده از این فناوری را مورد تحلیل قرار خواهیم داد.

## ۱- استفاده از هوش مصنوعی در صنایع نظامی و امنیتی اسرائیل

هوش مصنوعی نقش اساسی در تقویت قابلیت‌های نظامی و امنیتی اسرائیل ایفا می‌کند و کاربردهای متنوعی در این زمینه دارد. یکی از مهم‌ترین کاربردها، ارتقاء امنیت سایبری است که از طریق الگوریتم‌های هوش مصنوعی برای شناسایی ناهنجاری‌ها و پاسخ‌آنی به تهدیدات مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین، خودکارسازی تجهیزات نظامی موجب بهبود کارایی و اثربخشی عملیاتی آنان می‌گردد. علاوه بر این، هوش مصنوعی در تجزیه و تحلیل داده‌ها و جمع‌آوری اطلاعات به تحلیلگران نظامی کمک می‌کند تا با سرعت بیشتری اقدام به تصمیم‌گیری در طول عملیات کنند. در زمینه توسعه سلاح‌های پیشرفته، هوش مصنوعی به بهبود دقت و اثربخشی سلاح‌ها از طریق الگوریتم‌های یادگیری ماشینی کمک می‌کند. هوش مصنوعی در برنامه‌های آموزشی نیز برای ایجاد بسترهای شبیه‌سازی استفاده می‌شود. علاوه بر این، سیستم‌های هوش مصنوعی در پیش‌بینی تهدیدات و ارزیابی خطرات نقش قابل توجهی ایفا می‌کنند.

## ۲- کاربردهای نظامی هوش مصنوعی در ارتش اسرائیل

### ۱-۲- پیش‌بینی، هشدار و سیستم‌های دفاعی

ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی قادر به شناسایی و هشدار در مورد تهدیدات نظامی و غیرنظامی هستند. برای مثال ارتش اسرائیل، با استفاده از فناوری هوش مصنوعی سعی در پیش‌بینی پذیر کردن و اعلام هشدار پیش از موعد تهدیدات داشته است. سیستم‌الکمیست یکی از سیستم‌هایی است که در این زمینه مورد استفاده ارتش اسرائیل قرار گرفته است. این

سیستم که به طور همزمان به شکل دفاعی و تهاجمی مورد استفاده قرار می‌گیرد می‌تواند با جمع‌آوری داده‌ها در بستریک پلتفرم یکپارچه با شناسایی اهداف و تهدیدات موجود، تحرکات مشکوک را به اطلاع نیروهای نظامی اسرائیل برساند. این سیستم از سال ۲۰۲۱ و در جریان عملیات نگهبان دیوارها به کار گرفته شده است.

گنبد آهنین<sup>۱</sup> یکی دیگر از سیستم‌های دفاعی نام آشنا اسرائیل است که به خاطر قابلیت‌های خاص آن در حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی در برابر تهدیدات موشکی شناخته می‌شود. در طول جنگ‌های اخیر اسرائیل با گروه‌های مختلف مقاومت گنبد آهنین نقش به‌سزایی در دفع بخشی از تهدیدات موشکی و پهپادی در ارتفاع پایین داشته است. البته گفتنی است علاوه بر این در لایه‌های دفاعی بالاتر سامانه فلاخن داوود، پیکان ۲ و پیکان ۳ با سیستمی مشابه در ارتفاع بالاتر اقدام به رهگیری تهدیدات نظامی می‌کنند.

سیستم ۳۶۰ درجه<sup>۲</sup> بخشی دیگر از کاربردهای هوش مصنوعی در شناسایی تهدیدات است که در خودروهای زرهی موجود در نوار غزه نصب شده است. این سیستم با رصد دائمی، در صورت شناسایی تهدیدات این موضوع را به اطلاع اپراتور خودرو می‌رساند.

## ۲-۲- تحلیل اطلاعات، شناسایی اهداف و درگیری

در میدان نبرد جنگ‌های مدرن، استفاده از ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی برای تحلیل حجم بالای داده‌ها به یک ضرورت تبدیل شده است. این ابزارها به فرماندهان نظامی امکان اتخاذ تصمیمات بهتری را در طول دوران فرماندهی جنگ می‌دهند. یکی از سیستم‌های تصمیم‌گیری هوشمند که توسط ارتش اسرائیل مورد استفاده قرار می‌گیرد، کارخانه آتش<sup>۳</sup> نام دارد. این سیستم توانایی تحلیل مجموعه گسترده‌ای از داده‌ها، از جمله اطلاعات تاریخی مربوط به اهداف را در اختیار دارد. از این طریق این سیستم با شناسایی هدف، تحلیل رفتار آن در گذشته و حال و برآورد مقدار مهمات مورد نیاز، با اولویت‌بندی و پیشنهاد زمانبندی بهینه برای حمله کمک شایانی در موفقیت آمیز بودن عملیات‌های نظامی ارتش اسرائیل می‌کند.

انجیل<sup>۴</sup> یکی دیگر از ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی است که با تجزیه و تحلیل داده‌های موجود کمک قابل توجهی به بخش اطلاعات ارتش اسرائیل برای شناسایی اهداف کلیدی می‌کند. مدت فرایند شناسایی اهداف توسط این سیستم در عرض چند ثانیه است. این قابلیت

۱. Iron Dome

۲. Edge ۳۶۰

۳. Fire Factory

۴. Gospel

نشان از تاثیر هوش مصنوعی در تسریع تصمیم‌گیری در عرصه نظامی است. از دیگر سیستم‌های موجود در این زمینه بافنده آتش<sup>۱</sup> که توسط شرکت رافائل توسعه یافته است می‌باشد.

این سیستم با استفاده از حسگرهای خود قابلیت‌های شناسایی و درگیری با هدف را تسهیل می‌کند. بافنده آتش با پردازش داده‌هایی نظیر موقعیت هدف، خط دید، اثربخشی و مهمات موجود؛ گزینه‌ای بهینه برای انهدام اهداف مختلف را به کار می‌گیرد.

لاوندر<sup>۲</sup> نام سیستم دیگری است که در طول جنگ طوفان الاقصی مورد استفاده ارتش اسرائیل قرار گرفته است. این سیستم به‌طور خاص برای شناسایی افراد مشکوک در میان شاخه‌های نظامی حماس و جهاد اسلامی فلسطینی طراحی شده است. براساس گزارش‌های موجود تنها در مدت ۲۰ ثانیه پیش از حمله اهداف توسط این سامانه شناسایی می‌شوند. البته این سامانه ماموریت‌های خود را با خطای ۱۰ درصدی در طول جنگ پیش برده است.

### ۳- چالش‌های پیش‌رو

استفاده از هوش مصنوعی در جنگ‌های مدرن با چالش‌ها و خطرات خاصی همراه است. نیاز به نظارت انسانی و ارزیابی دقیق بر روی تصمیمات اتخاذ شده توسط سیستم‌های هوش مصنوعی، از جمله مسائلی است که باید در نظر گرفته شود. علاوه بر این موفقیت سامانه‌های یاد شده در طول جنگ غزه مطلق نبوده و در مواقعی ضعف قابل توجهی داشته‌اند. بنا بر اظهارات مقامات اسرائیلی، یکی از عوامل شکست اطلاعاتی در پیش‌بینی‌کردن حمله حماس در ۷ اکتبر، اعتماد بیش از حد به هوش مصنوعی و غفلت نیروی انسانی عنوان شده است که حاکی از غیر قابل اعتماد بودن این سامانه‌ها در تامین امنیت است. این موضوع نشان از آن دارد که سیستم‌های هوش مصنوعی، به‌ویژه در بزنگاه‌های حساس امنیتی، ممکن است در تأمین اطلاعات دقیق و قابل اعتماد دچار نقص شوند.

۱. Fire Weaver  
۲. Lavender





From  
the  
River  
to  
the  
Sea





## راهبرد و سیاست ایالات متحده در قبال جنگ غزه

◀ امیرمعموم بیگی

### مقدمه

سیاست ایالات متحده در مواجهه با جنگ غزه به عنوان یکی از بازیگران کلیدی و تأثیرگذار، دستخوش تغییرات قابل توجهی در برخورد با بحران و تنظیم اولویت‌های منطقه‌ای خود شده است. این تحولات در ابتدا در راستای "چرخش به شرق آسیا" و تمرکز بر رقابت با چین، بر سیاست خروج تدریجی از درگیری‌های بی‌پایان در غرب آسیا و اولویت‌دهی به ثبات رژیم صهیونیستی استوار بود. اما وقوع طوفان الاقصی و بروز یک رشته از درگیری‌های شدید در غزه، برنامه‌های بلندمدت واشنگتن در منطقه را با چالش‌های جدی روبرو ساخت. وقوع این رخدادها، علی‌رغم حمایت سیاسی، نظامی و اقتصادی آمریکا از رژیم صهیونیستی، سبب

شد تا دولت بایدن در سیاست خود در برابر بحران غزه به بازنگری بپردازد و با رویکردی ترکیبی از حمایت از متحدان خود و همزمان ترویج آتش‌بس و کمک‌های بشردوستانه، برای به تعادل رسانی فشارهای داخلی و بین‌المللی تلاش کند. در این یادداشت، سیاست‌های ایالات متحده در قبال پدیده‌ی «طوفان الاقصی» و جنگ یک‌ساله‌ی غزه مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرد. این بررسی با هدف تبیین رویکردهای آمریکا و اثرات آن بر تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، به تحلیل راهبردهای سیاسی و دیپلماتیک اتخاذشده و همچنین پیامدهای احتمالی این سیاست‌ها در عرصه‌های مختلف می‌پردازد.

## ۱- راهبرد آمریکا در منطقه غرب آسیا پیش از طوفان الاقصی

اولویت‌های سیاست خارجی ایالات متحده را می‌توان به سه محور کلیدی تقسیم‌بندی کرد: ۱. چین ۲. اروپا ۳. غرب آسیا. در سال‌های اخیر، سیاست موسوم به "چرخش به شرق آسیا" در دستور کار واشنگتن قرار گرفته است. این سیاست بر تمرکز بر چین به‌عنوان رقیب استراتژیک و عمده ایالات متحده متمرکز است، در حالی که آمریکا به دنبال ایجاد ثبات در اروپا و کاهش حضور نظامی خود در غرب آسیا است. در این راستا، ایالات متحده کوشیده تا از طریق تقویت رژیم صهیونیستی، نقش خود را در غرب آسیا کاهش داده و مدیریت امور منطقه را از طریق حمایت از این رژیم و ایجاد سازوکارهای امنیتی جمعی و سیستم‌های سپر دفاع موشکی و همچنین تسهیل توافقات بین رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی تحقق بخشد. پس از ناکامی در اجرای طرح "خاورمیانه جدید"، ایالات متحده به سیاست "پایان جنگ‌های بی‌پایان" در منطقه روی آورد و تلاش کرد رژیم صهیونیستی را به قدرتی محوری در غرب آسیا بدل ساخته و همگرایی کشورهای منطقه با این رژیم را تقویت کند. در همین زمینه، دولت بایدن، به منظور تمرکز بیشتر بر رقابت با چین در شرق آسیا، سیاست‌های خود در غرب آسیا را حول دو محور اصلی دنبال می‌کرد: ۱. کاهش تنش‌ها و تسهیل عادی‌سازی روابط میان کشورهای غرب آسیا و رژیم صهیونیستی و ۲. ایجاد کریدور اقتصادی هند-خاورمیانه-اروپا. امید ایالات متحده این بود که با کاهش تنش‌های منطقه و تسهیل عادی‌سازی روابط بین عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی شرایط مساعدی برای تمرکز بیشتر بر چین ایجاد کند. علاوه بر این، پروژه کریدور هند-خاورمیانه-اروپا به‌عنوان پاسخی به ابتکار چین طراحی شد و هدف آن ایجاد مسیر اقتصادی برای مقابله با نفوذ چین در این منطقه و تقویت پیوندهای هند و کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی بود. این پروژه شامل دو مسیر اصلی بود: کریدور شرقی که هند را به کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس متصل می‌کرد و کریدور شمالی که کشورهای حاشیه خلیج فارس را از طریق اردن و رژیم





صهیونیستی به اروپا متصل می‌ساخت. این طرح به‌عنوان گامی برای همگرایی کشورهای غرب آسیا با رژیم صهیونیستی تعریف شد. با این حال، وقوع "طوفان الاقصی" در تاریخ هفت اکتبر و عملیات‌های گسترده مقاومت، این نقشه‌ها را به چالش کشید. پیامدهای طوفان الاقصی و جنایات رژیم صهیونیستی سبب شد روند عادی‌سازی روابط این رژیم با کشورهای غرب آسیا متوقف شده و ترتیبات امنیتی منطقه‌ای آمریکا نیز تحت تأثیر قرار گیرد. در نتیجه، کریدور اقتصادی هند-خاورمیانه-اروپا نیز پیش از اجرایی‌شدن، عملاً با مشکلات جدی مواجه شد.

## ۲- اهداف و راهبردهای آمریکا در قبال جنگ غزه

در پی وقوع رویداد استثنایی طوفان الاقصی و آغاز جنگ غزه، دولت بایدن در این بحران اهدافی را در قالب چهار محور کلیدی دنبال کرد: ۱. حمایت از حق دفاع رژیم صهیونیستی و از بین بردن تهدیدات ناشی از حماس و گروه‌های مقاومت ۲. بازگرداندن اسرای رژیم صهیونیستی ۳. جلوگیری از گسترش درگیری به سطح منطقه‌ای ۴. برقراری آتش‌بس و پیشبرد طرح دو دولتی. ایالات متحده در راستای تحقق این اهداف راهبردهایی را در پیش گرفت که در طول درگیری‌ها دستخوش تغییراتی اساسی شد. جنگ میان رژیم صهیونیستی و غزه که در پی عملیات طوفان الاقصی در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ آغاز شد، پس از گذشت مدتی به تعدیل‌هایی در سیاست‌های آمریکا منجر شد. در این چارچوب، استراتژی دولت بایدن را می‌توان در دو رویکرد عمده دسته‌بندی کرد: نخست، حمایت از حق دفاع رژیم صهیونیستی و نابودی حماس و گروه‌های مقاومت و مخالفت با آتش‌بس و دوم، تاکید بر حمایت‌های بشردوستانه، پافشاری بر آتش‌بس فوری و ترویج راه‌حل دو دولتی. این تغییر رویکرد ناشی از فشارهای داخلی و بین‌المللی ناشی از گسترش جنایات رژیم صهیونیستی و اعتراضات عمومی در داخل ایالات متحده، به همراه نزدیکی به انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا و اختلافات با دولت نتانیاهو بود.

### ۲-۱- راهبرد اول

در مراحل اولیه جنگ، ایالات متحده با درخواست‌های مکرر شورای امنیت سازمان ملل برای برقراری آتش‌بس مخالفت و به‌طور مستمر از حق رژیم صهیونیستی برای دفاع از خود حمایت کرد. در ۱۸ اکتبر، جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا، در سفر به سرزمین‌های اشغالی، تعهد بی‌قید و شرط ایالات متحده به رژیم صهیونیستی را مورد تأکید قرار داد. در این مقطع، با وجود جنایات گسترده رژیم صهیونیستی، از جمله بمباران بیمارستان المعمدانی، دولت آمریکا همچنان بر اولویت «آزادسازی گروگان‌ها پیش از آتش‌بس» تأکید داشت. ایالات متحده در تلاش بود تا با ایجاد زمان بیشتر برای رژیم صهیونیستی، امکان دستیابی

این رژیم به اهداف کوتاه‌مدت خود را تسهیل کند. این سیاست ایالات متحده به‌ویژه در مرحله اولیه درگیری‌ها نمایان شد، به‌گونه‌ای که با مخالفت با آتش‌بس و حمایت قاطع از اقدامات نظامی رژیم صهیونیستی، زمینه را برای عملیاتی شدن برنامه‌های آن در کوتاه‌مدت فراهم کرد. این راهبرد به رژیم صهیونیستی امکان می‌داد تا با ادامه عملیات نظامی، به اهداف اعلامی خود نظیر تضعیف مقاومت فلسطینی و بازپس‌گیری مناطق تحت کنترل حماس دست یابد. از سوی دیگر، واشنگتن با این رویکرد نه‌تنها به تقویت موضع رژیم صهیونیستی در منطقه پرداخت، بلکه تلاش کرد از طریق زمان‌بندی مناسب، واکنش‌های بین‌المللی به جنایات این رژیم را به تعویق بیندازد و افکار عمومی جهانی را به تدریج به سیاست‌های خود نزدیک کند.

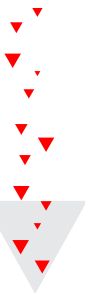
## ۲-۲- راهبرد دوم

با تداوم حمایت‌های اولیه ایالات متحده از رژیم صهیونیستی در عملیات‌های نظامی علیه غزه، دولت بایدن در مارس ۲۰۲۴ به سوی سیاست آتش‌بس فوری و حمایت از کمک‌های بشردوستانه تغییر رویکرد داد. این تعدیل تحت فشارهای بین‌المللی و افزایش انتقادات به دلیل فجایع انسانی در غزه و نگرانی از گسترش احتمالی درگیری‌ها به سطح منطقه‌ای و تاثیر بر انتخابات ریاست جمهوری آمریکا صورت گرفت. در همین راستا، برای ترمیم چهره بین‌المللی خود، آمریکا نخستین عملیات امدادرسانی هوایی را با هدف ارسال مواد غذایی به ساکنان غزه به اجرا گذاشت و پروژه ساخت بندر موقت در سواحل غزه را آغاز کرد در حالی که این بندر مورد استفاده نظامی و اطلاعاتی رژیم صهیونیستی قرار گرفت. هم‌زمان، آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا، در چارچوب مذاکرات آتش‌بس و تبادل گروگان‌ها، ششمین سفر خود به منطقه را انجام داد؛ اما این مذاکرات به دلیل اختلاف‌نظرهای گسترده طرفین به نتیجه نرسید. این در حالی بود که تنش میان دولت بایدن و دولت نتانیاهاو نیز به‌طور چشم‌گیری شدت یافت. نتانیاهاو بر ادامه عملیات نظامی در رفح، به‌عنوان پایگاه اصلی حماس و محل استقرار شمار زیادی از فلسطینیان پناهنده، اصرار داشت. این سیاست، در تضاد با رویکرد ایالات متحده قرار داشت؛ چراکه دولت بایدن همچنان از راه‌حل دو دولتی به‌عنوان افق پس از جنگ حمایت می‌کرد. از یک سو، نتانیاهاو بر تداوم اقدامات نظامی علیه حماس تأکید داشت و از سوی دیگر، ایالات متحده با تلاش برای آتش‌بس و حمایت از کمک‌های بشردوستانه، سعی در ترمیم چهره بین‌المللی خود در میان افکار عمومی جهانی داشت.

## ۳- ارزیابی حمایت‌های آمریکا از رژیم صهیونیستی یک سال پس از طوفان الاقصی

یک سال پس از عملیات طوفان الاقصی و آغاز جنگ غزه، ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که سیاست ایالات متحده در غرب آسیا تغییرات معناداری نسبت به گذشته داشته است. این تغییرات شامل هفت بار وتوی قطعنامه‌های شورای امنیت به نفع رژیم اشغالگر قدس، تصویب دو بسته کمک مالی مجموعاً به ارزش ۴۰ میلیارد دلار برای این رژیم در کنگره، و همچنین یازده حمله به نیروهای مقاومت اسلامی در عراق و سوریه که به شهادت بیش از ۴۰ نفر منجر شده است، می‌باشد. علاوه بر این، مداخله مستقیم ایالات متحده به منظور جلوگیری از عملیات‌های انصارالله یمن در دفاع از غزه و ارائه کمک‌های اطلاعاتی و امنیتی برای ترور رهبران مقاومت، نمونه‌های بارزی از حمایت آمریکا از رژیم صهیونیستی به شمار می‌رود. لازم به ذکر است که اختلافات میان دولت بایدن و نتانیاهو عمدتاً اختلافات تاکتیکی بودند. طرفین در نحوه تحقق سیاست‌ها و اهداف خود در برخی مقاطع و مسائل، نظرات متفاوتی داشتند، اما به‌طور کلی، اهداف مشترکی را دنبال می‌کردند. ایالات متحده از منظر جهانی به تحولات غرب آسیا نگاه می‌کند و بر این باور است که تحولات این منطقه بر مناطق مورد تمرکزش تأثیر می‌گذارد. بر همین اساس، ایالات متحده معتقد است که سیاست‌هایش باید به گونه‌ای دنبال شود که منافع آن در این مناطق به خطر نیفتد. در مقابل، نگاه رژیم اسرائیل به مسائل منطقه‌ای است و دغدغه‌های جهانی ایالات متحده را در نظر نمی‌گیرد. ایالات متحده معتقد است که باید حماس به گونه‌ای هدف قرار گیرد که موجب حساسیت افکار عمومی در سطح جهانی نشود، در حالی که رژیم صهیونیستی با نگرانی‌های امنیتی مواجه است و خواهان تأمین امنیت خود به هر قیمت است. به همین دلیل، رژیم صهیونیستی از قضاوت دولت‌ها، سازمان ملل و افکار عمومی ابایی ندارد، در حالی که ایالات متحده در این زمینه ملاحظاتی دارد. رژیم صهیونیستی به عنوان یک رژیم وابسته به ایالات متحده، نمی‌تواند به‌طور مستقل هر گونه اقدام نظامی یا سیاسی را به اجرا درآورد. لذا، فعالیت‌های آن‌ها همواره در چارچوب تحمل و منافع ایالات متحده صورت می‌گیرد. ایالات متحده نیز از آغاز جنگ غزه همواره سعی داشته به صورت چندلایه و در پنج محور اصلی رژیم صهیونیستی را مورد حمایت قرار دهد:

۱. **حمایت سیاسی و بین‌المللی:** ایالات متحده با استفاده از قدرت دیپلماتیک خود در سازمان‌های بین‌المللی، به‌طور مکرر از حق دفاع رژیم صهیونیستی حمایت کرده و مانع از اعمال محدودیت‌ها و محکومیت‌های بین‌المللی علیه این رژیم شده است.



**۲. حمایت نظامی:** ایالات متحده به عنوان تأمین‌کننده اصلی تسلیحات و فناوری‌های نظامی پیشرفته، پشتیبانی قابل توجهی از رژیم صهیونیستی داشته است. این حمایت‌ها شامل تجهیزات نظامی پیچیده و همچنین کمک‌های اطلاعاتی و لجستیکی می‌شود که به رژیم صهیونیستی قدرت و ظرفیت بیشتری برای ادامه عملیات نظامی خود در غزه می‌دهد.

**۳. کمک‌های اقتصادی:** علاوه بر کمک‌های نظامی، ایالات متحده از طریق بسته‌های کمک اقتصادی و بودجه‌های اضطراری، رژیم صهیونیستی را در تأمین مالی عملیات نظامی و جبران خسارات آن یاری کرده است. این کمک‌ها برای حمایت از اقتصاد رژیم صهیونیستی و حفظ پایداری مالی این رژیم در طول درگیری‌ها اهمیت زیادی دارد.

**۴. تأثیرگذاری رسانه‌ای:** ایالات متحده از طریق رسانه‌های بین‌المللی و شبکه‌های اجتماعی، روایت جنگ را به نفع رژیم صهیونیستی هدایت کرده است. تلاش برای القای تصویری از رژیم صهیونیستی به عنوان قربانی و استفاده از اصطلاحات خاص برای کاهش ابعاد فجایع انسانی در غزه، بخشی از این عملیات رسانه‌ای به شمار می‌رود.

**۵. مدیریت و فرصت‌سازی در مذاکرات:** ایالات متحده از نقش میانجی‌گرانه خود در مذاکرات به عنوان ابزاری برای فرصت‌سازی استراتژیک برای رژیم صهیونیستی استفاده می‌کند. این مذاکرات عمدتاً در راستای تأمین منافع رژیم صهیونیستی، کنترل روند تبادل گروگان‌ها و ایجاد تأخیر در فشارهای بین‌المللی به این رژیم انجام می‌شوند.

ایالات متحده با ارائه حمایت‌های جامع و مستمر از رژیم صهیونیستی، به یکی از بازیگران کلیدی در جنگ غزه تبدیل شده است. این حمایت‌ها شامل تأمین مالی، تسلیحاتی و سیاسی و رسانه‌ای می‌شود و به رژیم صهیونیستی این امکان را می‌دهد که به اجرای عملیات نظامی و جنایت در این منطقه ادامه دهد. با توجه به این ارتباط نزدیک، ایالات متحده به عنوان شریک این رژیم در جنایات و کشتارهایی که در جریان جنگ غزه رخ می‌دهد، تلقی می‌شود. این مشارکت نه تنها به تقویت قابلیت‌های نظامی رژیم صهیونیستی کمک می‌کند، بلکه همچنین به تداوم بحران انسانی و ناآرامی‌های سیاسی در منطقه دامن می‌زند.

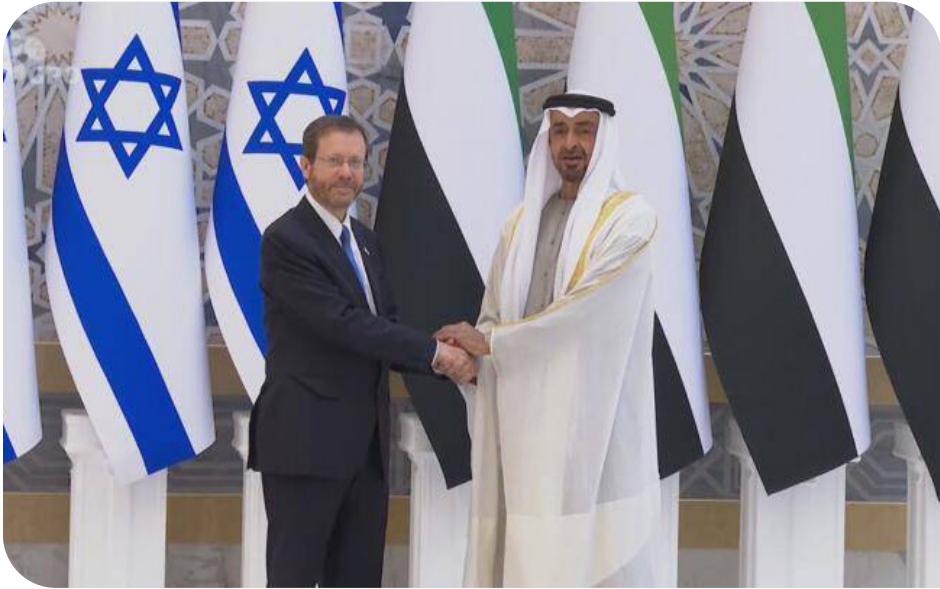
## ۴- نتیجه‌گیری

سیاست ایالات متحده در قبال جنگ غزه و پدیده «طوفان الاقصی» نمایانگر تحول عمده‌ای

در اولویت‌های دیپلماتیک و استراتژیک این کشور در غرب آسیا است. در حالی که در ابتدا تمرکز اصلی ایالات متحده بر رقابت با چین و کاهش حضور نظامی در این منطقه بود، وقوع جنگ غزه موجب شد که واشنگتن با چالش‌های جدیدی مواجه شود و به بازنگری در سیاست‌های خود بپردازد. ایالات متحده در تلاش برای حفظ تعادل میان حمایت از رژیم صهیونیستی و فشارهای بین‌المللی برای آتش‌بس و ارائه کمک‌های بشردوستانه، دورویکرد متفاوت را اتخاذ کرد که این امر نشان‌دهنده تضادهای موجود در سیاست‌گذاری‌های آن است. این وضعیت نه تنها چالش‌هایی را برای ایالات متحده به وجود آورده، بلکه پیامدهای قابل توجهی برای معادلات بین‌المللی نیز به همراه خواهد داشت.







# امارات متحده عربی وطوفان الأقمی

محمد علی احمدیان

## مقدمه

امارات متحده عربی اگرچه سعی کرده در نتیجه فشار افکار عمومی در رابطه با نسل‌کشی مردم مظلوم غزه و لبنان در جریان عملیات ۷ اکتبر، کمک‌های نقدی و غیرنقدی خود را به سوی آنان گسیل دارد اما با این وجود تاکنون هیچگونه نشانی از ابراز پشیمانی از عادی‌سازی و تعمیق روابط با رژیم جنایت‌پیشه صهیونیستی در سیاست‌های اعلامی و اعمالی این شیخ‌نشین مشاهده نشده است. امارات متحده عربی ذیل پروژه تجدد خود سیاست درهای باز را دنبال می‌کند بدین معنا که تنش‌زدایی با تمامی بازیگران مشروع و نامشروع نظام بین‌الملل از جمله رژیم جنایتکار صهیونیستی را محور سیاست‌های منفعت‌طلبانه اقتصادی و

غیراقتصادی خود قرار داده است. دلیل همسویی امارات با جبهه غربی این مسأله است که این شیخ‌نشین کوچک خلیج فارس منافع ملی و حیات سیاسی خود را وابسته به نظام مدرنیته غربی می‌داند لذا پایداری آن به لوازم مدرنیته به امری اجتناب‌ناپذیر تبدیل می‌شود. یکی از این لوازم، همگرایی با نماینده بازیگران غربی یعنی جبهه عبری در منطقه غرب آسیا یا همان خاورمیانه است.

## ۱- بازی امارات در پازل صهیونیسم

در منطقه آسیای غربی، رژیم کودک‌کش صهیونیستی به مثابه موجودی بدخیم و نامشروع که پیوسته با بحران‌های داخلی و خارجی دست و پنجه نرم می‌کند، از ابتدای شکل‌گیری تا کنون به نقض آشکار حقوق بشر و ارتکاب شدیدترین جنایت‌ها در قبال ملت مظلوم فلسطین و محور مقاومت پرداخته است. حمایت‌های تسلیحاتی و اطلاعاتی دست‌های چدنی با روکش مخملی و مدعیان دروغین حقوق بشر که نفوذ زیادی در مجامع بین‌المللی دارند، باعث شده است تا اقدامات به معنای واقعی کلمه ددمشانه این رژیم نامشروع نه تنها مورد مؤاخذه و محکومیت جدی قرار نگیرد بلکه دوام و قوام نیز داشته باشد. برنامه‌هایی که رژیم آپارتاید صهیونیستی در ذیل پروژه «خاورمیانه جدید» شیمون پرز برای خود ترسیم کرده است و سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی که آمریکا و انگلیس به عنوان حامیان و بانیان اسرائیل برای این رژیم منحوس انجام داده‌اند، باعث شده است تا رژیم صهیونیستی در مسیر خصمانه «نیل تا فرات» قدرت بگیرد و سلطه‌گری‌ها و اقدامات وحشیانه خود را در قبال محور مقاومت روزافزون گرداند. در حقیقت آمریکا که نقش عمده را در عادی‌سازی یا همان نزدیک کردن رژیم اسرائیل به اعراب بازی کرده است، با گسترش دومینوار توافق‌های ابراهیم و تسری آن به دیگر کشورهای خاورمیانه از بستر امارات که هویت مشترک عربی و اسلامی با این کشورها داشته و به دلیل رشد و توسعه چشمگیر اقتصادی از جایگاه الگو محوری در میان کشورهای عربی برخوردار است، خواهان آن است تا ائتلاف واحد و منسجمی را در قبال دشمنان خود یعنی جمهوری اسلامی ایران، چین و روسیه تشکیل دهد و به توهم دیرینه خود در نابودی ایران به عنوان دشمن درجه یک خود نائل گردد. شکل‌گیری ائتلاف مذکور با محوریت و راهبری امارات اگرچه با وجود عملیات «طوفان الأقصى» و بازتاب گسترده آن بر افکار عمومی منطقه و جهان با چالش‌های زیادی روبرو شده اما متوقف نشده است.

## ۲- علل چرخش امارات به سوی اسرائیل

حقیقت امر آن است که آرمان فلسطین به گفته صاحب‌نظران اماراتی دیگر اولویت راهبردی



این شیخ‌نشین نیست زیرا امارات با الگوپذیری از سبک لیبرال دموکراسی غربی، دین را فاقد کارایی لازم جهت نیل به توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع می‌داند. امارات وقتی مشاهده کرد که جامعه جهانی با آرمان قدس همسو نیست و در مقابل حامی لابی‌ها و کارتل‌های صهیونیستی است، بدین نتیجه رسید که حمایت از این آرمان مانع توسعه جامعه می‌شود و هزینه آن بیش از فرصت‌ها و منافع آن است. امارات خود را پیش روی دو جریان عمده فلسطین و صهیونیسم می‌دید. جریان صهیونیسم به عنوان قدرت مادی و صاحب فناوری‌های پیشرفته است و منظومه سیاست‌رانی بین‌المللی در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی حامی این جریان هستند. در طرف مقابل جریان فلسطین است که حامیان آن از قدرت مادی و ظاهری چندانی برخوردار نیستند و عموماً ملت‌ها هستند. از میان کشورهای عربی و غیرعربی آنهایی مدافع این آرمان هستند که در جامعه جهانی جایگاه و نفوذ چندانی ندارند. پیوستن به دو جریان فلسطین و صهیونیسم مسأله‌ای است که امارات را گرفتار یک دوراهی کرده است زیرا می‌خواهد هر دو طرف را با توجه به منافع جداگانه‌ای که دارند راضی نگه دارد.

براین اساس با توجه به اینکه محافظه‌کاری از ویژگی‌های جدایی‌ناپذیر این کشور کوچک عربی است، امارات خواهان طرد کامل مسأله قدس و فلسطین نیست بلکه تمایل دارد تا این مسأله را به گونه‌ای مدیریت کند که جامعه جهانی بر ضد او به موضع‌گیری نپردازد و از طرف دیگر جامعه اسلامی او را از مخالفان هویت عربی-اسلامی برنشمرد زیرا این مسأله باعث به حاشیه رفتن این کشور کوچک می‌شود و این همان چیزی است که برای امارات یک هشدار محسوب می‌شود زیرا روند توسعه‌ای که این کشور در طی سه دهه گذشته برای خود تعریف کرده است با مشکل مواجه می‌شود زیرا بخش عمده‌ای از بازارهای اقتصادی و گردشگری فرهنگی خود را از دست می‌دهد. اگرچه نسل جدید امارات دیگر مانند نسل بنیانگذار خود («شیخ زاید») به آرمان فلسطین پایبند نیست اما با این وجود محافظه‌کاری بیشتری به خرج می‌دهد تا از طرد هم‌پیمانان با آرمان فلسطین جلوگیری کند زیرا با آنان مرادوات تجاری دارد. امارات با وجود کمک‌های بشردوستانه به ملت فلسطین و لبنان، از ابتدا رویکرد سلبی نسبت به عملیات طوفان الأقصى اتخاذ کرده و حماس را محکوم کرد. این مسأله برگرفته از عقده دیرینه امارات از تفکر اخوانی و محور مقاومت در منطقه است. خواسته مشترک امارات و رژیم صهیونیستی در نابودی محور مقاومت، منفور شدن بیش از پیش این رژیم در جریان نسل‌کشی ۷ اکتبر و داشتن هویت مشترک عربی-اسلامی با اعراب، امارات را به این امر واداشته که از قدرت برجسته اقتصادی و رسانه‌ای خود در سفیدسازی

وجهه خود در نتیجه عادی‌سازی با رژیم صهیونیستی بهره برده و از آن به عنوان اهرم فشار جهت افزایش قدرت چانه‌زنی و امتیازگیری بیشتر از جبهه غربی - عبری استفاده نماید تا بدین طریق بتواند موازنه قدرت و رقابت‌های ژئوپلیتیکی غرب آسیا را به نفع خود تغییر داده و به آرزوی خود در تبدیل شدن به بازیگر مهم منطقه‌ای و بین‌المللی نایل گردد.

### ۳- نتیجه‌گیری

به طور کلی امارات کشوری است که معادلات بین‌المللی را عمدتاً با معیارهای مادی مشاهده می‌کند غافل از اینکه پیشداوری درباره برنده معادلات جهانی تنها با استفاده از عینک غربی و شرط بستن بر روی اسب بازنده امری غیرعقلانی و غیرعقلایی است زیرا دیگر روی قدرت مشروع یعنی قدرت معنوی مورد غفلت واقع شده است. شهادت ((سلیمانی‌ها))، ((حسن نصرالله‌ها)) و ((سنوارها)) شاید در ظاهر قدرت مادی رژیم صهیونیستی را آشکار کند غافل از اینکه حقانیت مکتب مقاومت با شهادت فرماندهانش زنده‌تر و پویاتر خواهد شد و پژواک انسانیت و نوع‌دوستی را در سراسر جهان پراکنده و مستحکم خواهد کرد و معادلات جهانی غربی را در سراشیبی سقوط و انحلال قرار خواهد داد. در این شرایط، باید از ظرفیت بیداری انسانی و اسلامی به وجود آمده در رابطه با عملیات ((طوفان الأقصى)) باید نهایت استفاده را کرد و از طریق گفتمان‌سازی و تعامل مؤثر با افراد برجسته و خواص جهان اسلام باید روح مسئولیت‌پذیری و احساس وظیفه در برابر ممنوع و هم‌کیش را در آنان بیدار کرد. وقتی خواص در یک راهی وارد شدند افکار عمومی را به آن سمت حرکت می‌دهند. وقتی افکار عمومی در یک کشوری شکل گرفت، سیاست‌های اداره کشور هم به طور قهری به آن سمت حرکت خواهد کرد. مثال واضح این ادعا دولت امارات است که تحت فشار افکار عمومی درباره مسأله اخیر فلسطین و کشتار مردم غزه مجبور شده است کمک‌های متعدد خود را به صدمه‌دیدگان غزه و لبنان اهدا کند. اگرچه کمک همزمان به محور مقاومت و صهیونیسم، برای جهان اسلام اقدامی پوپولیستی است اما به هر حال نشان می‌دهد که امارات نمی‌تواند نسبت به افکار عمومی دنیا درباره مسأله فلسطین بی‌تفاوت باشد. البته در میان بدنه حکومت و شاهزادگان اماراتی افرادی چون ((میثاء بنت محمد)) دختر حاکم دبی وجود دارند که از زمان توافق ابراهیم در سال ۲۰۲۰ تاکنون بارها با استناد به آیات قرآن مبنی بر دشمن‌ترین دشمنان نسبت به مسلمانان، پیمان شکنی، نژادپرستی، قساوت قلب، قاتل بودن، آتش افروزی، فسادطلبی، تحریف و تکذیب آیات الهی و در نتیجه نفرین و لعنت خدا بر قوم بنی اسرائیل از عادی‌سازی با رژیم نامشروع اسرائیل برائت جسته و با انتشار



هشتگ‌های انگلیسی «فلسطین»، «فلسطین من» و «من یک فلسطینی هستم»، از آرمان فلسطین حمایت کرده‌اند. در مجموع، برای حل نهایی مسأله فلسطین به جای درمان بیماری صهیونیسم و پیشنهاد اشتباه آتش‌بس که از اختیار مسلمانان خارج است و در اختیار دشمن صهیونیستی است، کشورها و ملت‌های اسلامی باید با کمک هم شریان‌های حیاتی این رژیم نامشروع را که شامل هر نوع ارتباط سیاسی و اقتصادی است، تحریم و ریشه‌کن کنند. لازمه این کار بیدار شدن خواص و در نتیجه عوام آن کشورها است.







## رمزگشایی از معمای اردن و مساله فلسطین

◀ حمیدرضا سلطانیان

### مقدمه

اردن هاشمی کشوری است که در همسایگی شرقی فلسطین قرار دارد. اردن به سبب نزدیکی به فلسطین از جهت جغرافیایی، اجتماعی، تاریخی و فرهنگی و... تأثیر مهمی در این کشور دارد. کماینکه نام اردن از گذشته تاکنون در کنار هر اتفاقی که در فلسطین و سرزمین‌های اشغالی می‌افتد به چشم می‌خورد. پس از عملیات طوفان الاقصی و جنگ پس از آن که بیش از یک سال از آن می‌گذرد و هنوز هم ادامه دارد، آنچه توجهات را به خود جلب می‌کند موضع‌گیری حکام اردنی و مردم این کشور است. موضعی که گاهی نشان از همراهی تمام‌وکمال با فلسطینی‌ها داشته، گاهی محافظه‌کارانه و حتی در جهت حمایت از اسرائیل بوده است.

برای فهم و تحلیل این مواضع ابتدا نیاز است به تاریخچه روابط اردن با فلسطین و اسرائیل و همچنین ویژگی‌های خاص این کشور اشاره کنیم.

## ۱- تاریخچه روابط اردن با سرزمین فلسطین

با رو به افول رفتن امپراتوری عثمانی، بریتانیا و فرانسه با طراحی نقشه‌هایی در پی تجزیه این امپراتوری برآمدند. طبق نقشه آنها یکی از راه‌های ضربه‌زدن به عثمانی فعال کردن شورش‌های عربی بود. از این رو با حمایت از برخی قبائل در پی ایجاد جنگ داخلی برآمدند و موفق هم شدند. بدین ترتیب تنها پس از ۵ سال از انقلاب عربی علیه عثمانی، کشوری به نام پادشاهی هاشمی فرار اردن توسط عبدالله یکم تاسیس شد. این کشور تا سال ۱۹۴۶ با استقلال یافتن از بریتانیا با عنوان پادشاهی هاشمی فرار اردن تثبیت شد. با اعلام استقلال صهیونیست‌ها در سال ۱۹۴۸ و تسخیر کرانه باختری، جغرافیای کنونی اردن محدود به شرق رود اردن شد. در این زمان بود که نام این کشور به اردن هاشمی تغییر کرد.

با گسترش جنگ اسرائیل و اعراب و وقوع جنگ‌هایی در سال‌های ۱۹۴۸، ۱۹۵۶، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ درگیری‌ها در سرزمین فلسطین شدیدتر شد. به تسامح می‌توان گفت در تمام این جنگ‌ها حکومت اردن تلاش کرد در ابتدا با اعراب همراهی کند حتی در جنگ اول، لشکری هم برای مقابله با نیروهای اشغالگر اسرائیلی اعزام کرد اما هر قدر از بحبوحه جنگ اول فاصله گرفتیم، حکام اردن به سمت سازش و کنار آمدن با اسرائیل حرکت کردند. در برخی از این درگیری‌ها هم که از همان ابتدا پیمان عدم تعارض را با رژیم صهیونیستی اجرایی کردند. همین مسیر باعث شد در نهایت اردن و اسرائیل در سال ۱۹۹۴ در وادی عربیه با یکدیگر پیمان صلح و عادی سازی روابط را امضا کنند. این پیمان بعدها در زمینه‌های نظامی، امنیتی، انرژی و اقتصادی گسترش یافت. این پیمان را می‌توان آغاز انفصال حکام اردنی از قضیه فلسطین دانست.

## ۲- ویژگی‌های خاص اردن

در کنار توجه به مواردی که در بخش تاریخچه روابط اردن هاشمی با فلسطین و اسرائیل به آن اشاره شد، توجه به جایگاه این کشور در نزد این دو هم بسیار مهم است. کشور اردن از همان ابتدا به عنوان کلیددار مسجدالاقصی برای فلسطینی‌ها و بلکه مسلمانان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. از سویی دیگر این کشور در طول جنگ‌های اسرائیل با فلسطینی‌ها همواره پناهگاهی برای آوارگان فلسطینی بوده است. طبق برخی آمارها در دوره این جنگ‌ها قریب به ۲ میلیون نفر فلسطینی به این کشور وارد شدند. این امر باعث شده در جمعیت ۱۱ میلیونی کنونی اردن از هر ۵ نفر ۱ نفر فلسطینی باشد. در همین باره باید توجه کرد

که حتی ملکه رانیا بانوی اول اردن فلسطینی است.

از سویی دیگر اردن در میان کشورهای عربی منطقه غرب آسیا، یکی از فقیرترین کشورها به لحاظ منابع زیست محیطی و آبی است. به نحوی که طبق آمارها دومین کشور کم آب جهان است و همچنین برای توسعه به شدت وابسته به کمک‌های آمریکایی است. آمریکا در ازای حضور نظامی‌اش در اردن متعهد شد که سالانه ۱٫۲ میلیارد دلار کمک در اختیار دولت امان قرار دهد که بخشی از این کمک (حدود ۵۰۰ میلیون دلار) کمک‌های نظامی است. در همین راستا حکام اردنی همواره خود را وامدار اسرائیل می‌دانند. اسرائیل تلاش کرده در طی این سال‌ها در ازای استفاده از آفتاب اردن برای تولید برق، به این کشور، آب شیرین صادر کند. در کنار این موارد، اسرائیل همواره به اردن به عنوان یک سپر طبیعی برای دفع حملات علیه خودش نگاه کرده است. ایجاد پایگاه نظامی آمریکا در اردن و هماهنگی نیروی اطلاعاتی اردن و اسرائیل هم ناشی از همین دغدغه است. همچنین باید اشاره کنیم که در نگاه برخی از صهیونیست‌ها، اردن همان کشور فلسطینی است که باید ایجاد شود. این عده از صهیونیست‌ها معتقدند غزه و کرانه باختری باید به طور کامل اشغال شود و مردم فلسطین برای خود کشوری در اردن ایجاد کنند.

کنار هم قرار دادن دو مسئله حمایت از فلسطین برای افکار عمومی داخلی و همراهی با اسرائیل برای دریافت کمک‌های مختلف از این رژیم و آمریکا، مسئله‌ای است که همواره از دغدغه‌های جدی حکام اردن بوده است. از این رو شاهد فراز و نشیب‌های متوالی در مواضع آنها در قبال مسئله فلسطین هستیم که در ادامه به آن اشاره می‌کنیم.

### **۳- مواضع مردم و دولت مردان اردن در قبال جنگ کنونی در فلسطین**

برای پرداختن به نگاه مردم و حکام اردن به مسئله فلسطین، بررسی یک مصداق عینی به ما کمک خواهد کرد. پس از عملیات طوفان الاقصی در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، اسرائیل جنایت‌های بسیاری را علیه مردم غزه و کرانه باختری اجرایی کرد. در پی این واقعه، مردم اردن در پی حمایت از مردم مظلوم فلسطین، تجمعات متعدد و گسترده‌ای را در اردن شکل دادند. در همین اثنا، در گذرگاه مرزی بین اردن و اسرائیل یک عملیات استشهادی صورت گرفت. ماهر الجازی یکی از نظامیان بازنشسته و راننده کامیون اردنی بود که در ۸ سپتامبر ۲۰۲۴ با سلاح خود، ۳ صهیونیست را کشت و خود نیز در اثنای این عملیات به شهادت رسید. او هدف عملیات خود را اهمیت آرمان فلسطین و فدا شدن در این راه عنوان کرده بود. در پی این واقعه، دو نوع رفتار در اردن به وجود آمد. مقامات مختلف اردنی تلاش کردند

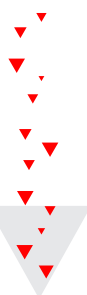
الجازی را یک فرد غیر سازمانی معرفی کنند که در نتیجه کینه شخصی دست به این اقدام زده و ارتباطی با دولت اردن نداشته است. اما در آن سو، مردم اردن از الجازی به عنوان یک قهرمان یاد کردند و حتی پس از آن، عملیات های دیگری نیز از خاک اردن علیه اشغالگران اسرائیلی صورت گرفت.

توجه به مقدمات و مصداقی که بیان شد، به خوبی علل سیاست های تناقض آمیز مقامات اردنی را نشان می دهد. از این رو اگر ایمن الصفدی، وزیر خارجه اردن حملات اسرائیل را محکوم می کند و بر لزوم تحریم تسلیحاتی و اقدام بین المللی علیه اسرائیل تأکید می کند، یا پادشاه اردن، عبدالله دوم در سخنرانی اش در سازمان ملل از جنایات اسرائیل در غزه گله می کند و خواهان توقف آن است، همه ناشی از فشار افکار عمومی اردنی به آنها است. در واقع آنها تلاش می کنند با چنین اقداماتی خود را حامی فلسطینی ها نشان دهند تا از شورش های داخلی جلوگیری کنند. اما در عمل، شاهد تجارت با اسرائیل، فراهم کردن حریم هوایی و پدافند برای جلوگیری از حمله به اسرائیل، همکاری امنیتی با آن و مخالفت با تسلیح کرانه باختری از سوی حکام اردنی هستیم.

در عین حال مردم اردن و به طور خاص فلسطینی های ساکن در اردن که امروز تعداد آنها کم هم نیست، به طرق مختلف نفرت خود را اسرائیل نشان می دهند. علاوه بر تلاش آنها برای راه اندازی تجمعات اعتراضی که برخی از آنها هم در کنار سفارت اسرائیل در امان صورت می گیرد، اقداماتی مثل رساندن سلاح به کرانه، انجام عملیات استشهادی و همچنین فشار به دولت هم به صورت مستمر اجرایی می شود. همین امر باعث شده مردم اردن بارها توسط سران مقاومت فلسطین خطاب قرار گیرند و به کنشگری دعوت شوند.

#### ۴- نتیجه گیری

شای هارزوی، رئیس مؤسسه سیاست و استراتژی (IPS) در دانشگاه رایشمن رژیم صهیونیستی، صلح رژیم صهیونیستی با اردن را یک سرمایه استراتژیک و یک ستون مرکزی امنیت ملی برای رژیم صهیونیستی می داند. توجه به همین مسئله به ما نشان می دهد که اردن چه اهمیتی در سیاست خارجی اسرائیل دارد. این امر به حدی است که امنیت در اردن از سوی صهیونیست ها، امنیت در کرانه باختری تعریف می شود. از سویی دیگر نباید فراموش کرد که اردن یکی از دولت های عربی حاضر در نشست نقب در سال ۲۰۲۲ بود. طبق برآوردها یکی از موضوعات مهم در این نشست ایجاد یک ناتوی عبری - عربی با پشتیبانی آمریکا بوده است. در کنار این موارد نباید فراموش کرد که علقه های فرهنگی





و تاریخی بسیاری بین مردم اردن و فلسطین وجود دارد و این علقه‌ها در جریان این جنگ خود را نمایان کرده است؛ لذا حکام اردن هم متوجه هستند که مثل گذشته نمی‌توانند چشمان خود را به روی هر نوع جنایت اسرائیل ببندند و باید میان مردم و دلبستگی آنها به فلسطین و وابستگی خود به آمریکا و اسرائیل یک توازن ایجاد کنند. امری که در جنگ کنونی تا حدی در آن موفق بوده اند.







# اسرائیل و چالش‌های حقوق بشری و حقوق بین‌المللی پس از جنگ غزه

◀ زهرا ارومیه چی

## مقدمه

پس از اقدام شجاعانه حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، جنایات اسرائیل شدت بیشتری گرفت. رژیم صهیونیستی پس از شکست مفتضحانه و سنگین خود، برای جبران و حفظ بقا شروع به نسل‌کشی و آواره کردن مردم غیرنظامی علی‌الخصوص کودکان غزه نمود. اسرائیل از ارتکاب

هیچ نوع جرم بین‌المللی در غزه خودداری نکرده است. نسل‌کشی<sup>۱</sup>، پاکسازی قومی<sup>۲</sup>، منع از حق بر آب و غذا، منع حق بر تحصیل، کشتار غیرنظامیان، ربایش و شکنجه، هدف قرار دادن مکان‌های دارای مصونیت مانند بیمارستان‌ها و مدارس و مشاجد و کلیساها، تنها گوشه‌ای از جنایات وحشیانه رژیم صهیونیستی است.

## ۱- جنگ غزه و چالش‌های داخلی و خارجی اسرائیل

مسئله واضح این است که اسرائیل در بدترین شرایط و دوره ممکن از ابتدای استقرار موجودیت جعلی خود قرار گرفته است. در حقیقت طوفان الأقصى تمامی معادلات و نقشه‌های رژیم صهیونیستی را بر هم زد و آن را درگیر جنگی کرد که تاکنون نتوانسته از پس آن بر بیاید و فقط به ترور و کشتار دیوانه‌وار غیرنظامیان می‌پردازد. پس از گذشت بیش از یک سال هنوز جنگ غزه ادامه دارد و اسرائیل با چندین جبهه مقاومت، در حال جنگ است. این در حالی است که رژیم صهیونیستی به علت نقض حقوق بشر، زیر پا گذاشتن قواعد حقوق بین‌الملل و ارتکاب جنایات و داشتن اشتباهات متعدد، هم از طرف داخل و هم از طرف آزادی‌خواهان کشورهای دیگر تحت فشاری جدید است.

وضعیت داخلی اسرائیل به نحوی وخیم است که در تل‌آویو و دیگر شهرها تظاهرات گسترده علیه سیاست‌های غلط برگزار می‌شود و مردم خواستار کناره‌رفتن و مجازات بنیامین نتانیاهو هستند. اگر روزی جنگ غزه به اتمام برسد و رژیم با نوار غزه و دیگر جبهه‌های مقاومت به طور علنی در جنگ نباشد، آنگاه چالش‌های عمیق و مهمی پیش روی اسرائیل خواهد بود که بایستی با آن‌ها دست و پنجه نرم کند. این در صورتی است که اسرائیل باقی بماند و بتواند موجودیت جعلی خویش را حفظ کند. با توجه به بی‌سابقه بودن جنگ‌های صورت گرفته با محور مقاومت اگر هم موجودیت رژیم حفظ شود با حمایت‌های آمریکا و دیگر هم‌پیمانان اسرائیل خواهد بود و بدون حمایت مادی و ارسال سلاح و تجهیزات نظامی چند روزی بیشتر دوام نخواهد آورد. در این وضعیت، اگر اتمام جنگ غزه و بقای رژیم غاصب را به عنوان یک احتمال در نظر بگیریم در خواهیم یافت که پیکر نحیف و ناکارآمد اسرائیل با چالش‌های متعدد حقوق بین‌المللی مواجه خواهد بود که در ادامه به طور مختصر به آن می‌پردازیم.

## ۲- پرونده نسل‌کشی و پاکسازی قومی اسرائیل پس از جنگ

چالش اول حقوق بین‌المللی اسرائیل همانطور که در خلال جنگ با توسل تعدادی از

۱. Genocide

۲. Ethnic cleansing



دولت‌ها مانند آفریقای جنوبی به ابزار حقوقی برای شکایت از جرایم ارتكابی اسرائیل آغاز شد و در دیوان بین‌المللی دادگستری<sup>۱</sup> به تدابیر موقتی و تاکید بر وجود شواهدی مبنی بر نسل‌کشی ادامه یافت، قطعاً در فضای پساجنگ نیز شدت بیشتری خواهد گرفت. شاید بتوان نسل‌کشی و پاکسازی قومی را بزرگ‌ترین جرم اسرائیل پس از طوفان الأقصى دانست. نسل‌کشی یکی از غیرانسانی‌ترین جرایمی است که سال‌هاست در فلسطین و غزه توسط اسرائیل در حال ارتكاب است. نسل‌کشی در ماده ۶ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی تبیین گردیده است؛ قتل اعضا، آسیب زدن شدید به سلامت جسمی یا روحی، قرار دادن افراد در وضعیتی که زوال جسمی بیاورد و انتقال اجباری، ژنوساید محسوب می‌شوند.<sup>۲</sup> دقیقاً مواردی که امروزه در غزه در حال رخ دادن است.

جرم بزرگ دیگر اسرائیل از دیدگاه حقوق بین‌الملل، پاکسازی قومی است که نقشه دیرینه سران رژیم بوده است؛ ماده ۴۹ کنوانسیون چهارم ژنو تصریح دارد که انتقال اجباری دسته جمعی یا انفرادی و نقل مکان اشخاص مورد حمایت از اراضی اشغال شده به خاک دولت اشغال‌کننده یا به خاک هر دولت دیگری اعم از اینکه اشغال شده یا نشده باشد به هر علتی ممنوع است.<sup>۳</sup> اسرائیل و دولت‌های حامی آن بایستی در محاکم بین‌المللی، پاسخگوی نسل‌کشی، پاکسازی قومی، آوارگی چند صد هزار نفر، گرسنگی دادن و کشتار غیرنظامیان باشد. در این زمینه، مرکز حقوق اساسی<sup>۴</sup> به عنوان یک نهاد معتبر غیردولتی که بر مسائل جوامع در معرض تهدید متمرکز است بصورت مستند اذعان داشته که آمریکا به اسرائیل کمک کرده تا کمک‌های بشردوستانه به غزه مسدود شود و کشتار بی‌سابقه‌ای صورت بگیرد. به همین دلیل درخواست‌ها برای صدور حکم بازداشت برای نتانیاهو و سایر مقامات به صورت جدی پیگیری شده است باین وجود، اگرچه علیرغم فشار دادگاه باز هم اسرائیل حملات خود را وحشیانه‌تر ادامه داده است اما تمامی این اسناد، اهرم فشاری برای دوران پساجنگ محسوب خواهند شد.<sup>۵</sup>

### ۳- بحران‌های داخلی پساجنگ

اسرائیل با قربانی کردن حقوق بشر در غزه و دیگر کشورهای محور مقاومت مانند لبنان و

۱. ICJ: International Court of Justice

۲. Statute of the International Criminal Court, Article ۶

۳. Fourth Geneva Convention, Article ۴۹

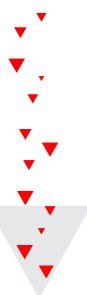
۴. Center for Constitutional Rights

۵. <https://ccrjustice.org/>

یمن، قادر به احیای حقوق بشر از دست رفته مردم خویش نیز نخواهد بود. حق امنیت و آزادی، حق حیات و حق آزادی بیان از جمله حقوقی است که پس از شروع جنگ در اسرائیل نقض گردید. برای نمونه زمانی که حملاتی از سوی جبهه مقاومت به سرزمین‌های اشغالی صورت می‌گیرد، اگر فردی که به هر دلیلی نتوانسته به پناهگاه‌ها برود، تصویر و فیلمی از میزان تخریب‌ها منتشر نماید، دستگیر و روانه زندان خواهد شد. یعنی رژیم حتی به مردم خود که تک‌تک آن‌ها شهرك‌نشینان نظامی‌اند نیز رحم نمی‌کند تا دروغ‌هایش آشکار نشود. علاوه بر این، بسیاری از مردم جهان با جنایات یک سال اخیر بیدار شده‌اند و متوجه لایه‌های عمیق رژیم جعلی و حتی حمایت‌های مادی و معنوی دولت‌هایشان از کشتار زنان و کودکان گردیده‌اند. لذا با وجود بی‌اعتباری شدید و نفرت جهانی از اسرائیل، صهیونیست‌ها در هیچ کجای جهان در امان نخواهند بود و قطعاً معترض سیاست‌های دولتهای خود مبنی بر تزییع حق بر امنیت خواهند شد. یهودیان جهان که مخالف عقاید و اقدامات صهیونیست‌ها هستند نیز به دلیل اتخاذ مواضع وحشیانه اسرائیل گاه‌گاهاً مورد ظلم و نفرت قرار می‌گیرند که آنان را نیز باید به عنوان چالش فراروی اسرائیل دانست. رژیم علاوه بر اعتراضات داخلی در سطح فرماندهان نظامی خویش نیز دچار مشکلات عدیده خواهد بود و رویه شدن برخی مخالفت‌ها با سیاست رژیم قطعاً پس از اتمام جنگ شدت خواهد گرفت. در این چارچوب، رژیم صهیونیستی پس از جنگ غزه، دیگر قادر به آرام کردن اوضاع نخواهد بود. در این مورد، رژیم عملاً دیگر قادر به توجیه شکنجه و قتل و کشتار نیز نخواهد بود چنانچه حتی اکنون نیز عده‌ای از صهیونیست‌های ساکن سرزمین‌های اشغالی دلیل ضربه سهمگین حماس و محور مقاومت را تداوم سال‌ها جنایت و ترور می‌دانند.

#### ۴- نتیجه گیری

جنگ غزه را باید آینه تمام نمای جنایات رژیم صهیونیستی و نقض قوانین و کنوانسیون‌های متعدد حقوق بین‌المللی و حقوق بشری این رژیم دانست. در این میان، چهار جنایت و جرم بین‌المللی مهم یعنی نسل‌کشی، پاکسازی قومی، جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت از مصادیق اولیه جرایمی است که این رژیم در جنگ غزه مرتکب شده است. بر این اساس، پایان جنگ غزه را باید عملاً آغازی بر تشدید چالش‌های حقوق بشری و حقوق بین‌المللی رژیم صهیونیستی دانست.











# جنگ غزه و برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران

مصطفی مقدم

## مقدمه

یکی از مهمترین موضوعاتی که در پرتو جنگ اخیر غزه توسط اتاق‌های فکر بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته و گزارش‌های متعددی در این زمینه منتشر شده، تاثیر این جنگ بر برنامه هسته‌ای ایران، انگیزه‌ها، سیاست‌ها و اقدامات احتمالی آن است. در این میان، برخی از این کارشناسان در این گزارش‌ها بر احتمال تغییر در دیدگاه و سیاست ایران و به‌زعم آنان، تسریع در فرایند هسته‌ای شدن ایران و برخی از کارشناسان بر عدم تغییر راهبرد هسته‌ای ایران و ادامه روند سابق تاکید دارند. در این یادداشت به مهمترین دلایل و استدلال‌های این گزارش‌ها اشاره می‌شود.

## ۱- جنگ غزه: کاتالیزور برنامه هسته ای ایران

عملیات طوفان الاقصی و جنگ غزه از دیدگاه ایران، شکست نظامی و اطلاعاتی اسرائیل بوده است. از نظر ایران، هم اکنون اسرائیل درگیر در یک جنگ طولانی شده که پیروزی در آن نیز برایش ممکن نیست. علاوه براین، جنگ غزه و اقدام هماهنگ و منسجم محور مقاومت و ناکامی آمریکا در مقابله با آنان و صرفاً تلاش آن برای جلوگیری از تشدید تنش، قدرت محور مقاومت را آشکار کرده است. بااین وجود، ادامه جنگ و نتایج متفاوتی با آنچه ایران برای پیروزی در جنگ انتظار داشته و اقدام و پاسخ پینگ پنگی ایران و اسرائیل و بویژه عملیات روزهای توبه، احساس نیاز ایران برای قدرت بیشتر به منظور حمایت موثرتر از متحدان منطقه ای خود، احتمال تغییر در راهبرد هسته ای ایران و تلاش آن برای تقویت بازدارندگی از طریق تسریع در برنامه هسته ای خود را می تواند به دنبال داشته باشد. ایران به این اعتقاد رسیده که غرب به دنبال کاهش تحریم ها و فشارهای اقتصادی نخواهد بود و دراین شرایط، ایران هسته ای علاوه بر افزایش آزادی عمل ایران، توانایی آن برای حمایت از محور مقاومت را نیز تقویت خواهد کرد. از سوی دیگر، مساله ای که احتمال تسریع در فعالیت های هسته ای ایران را بوجود آورده، میزان ذخیره اورانیوم غنی شده کافی آن برای تولید ۴ یا ۵ کلاهک هسته ای در شرایطی است که عملاً نظارت های بین المللی بر آن نیز محدود شده است.<sup>۱</sup>

دراین شرایط، جامعه اطلاعاتی ایالات متحده نیز در حال از دست دادن اعتماد خود نسبت به اینکه رهبران ایران برای عبور از مرز هسته ای و دستیابی به توانمندی نظامی اتمی آماده نمی شوند می باشد. درواقع، اگرچه تا همین اواخر ارزیابی آنان این بود که رهبر معظم انقلاب هنوز تصمیمی برای هسته ای شدن ندارد اما حمله موشکی ایران در ۲ اکتبر به اسرائیل و انتقام اسرائیل می تواند این محاسبات را تغییر دهد و یک واکنش زنجیره ای را در این فرآیند ایجاد کند. دراین وضعیت، با توجه به دستیابی ایران به دانش هسته ای، حتی اقدام نظامی آمریکا و تخریب برخی تاسیسات آن نیز نخواهد توانست مانع پروژه هسته ای جدید ایران شود. براین اساس، دیپلماسی، تنها گزینه روی میز آمریکا در قبال برنامه هسته ای ایران است.

## ۲- جنگ غزه؛ اثبات کارآمدی و کفایت بازدارندگی و موازنه قدرت ایران

سیاست ایران از زمان آغاز جنگ غزه، تلاش برای توقف این جنگ به منظور حفظ حاکمیت سیاسی و قدرت نظامی حماس در غزه و همچنین اقدام حزب الله لبنان و سایر گروه های

۱. Why the War in Gaza Makes a Nuclear Iran More Likely, Ali Vaez, Foreign Affairs, January ۲۵, ۲۰۲۴

محور مقاومت علیه اسرائیل در این راستا بوده است. براین اساس، ایران مستقیماً به جنگ ورود نکرده و از تقابل مستقیم با آمریکا نیز اجتناب کرده است و اقدامات صورت گرفته نیز صرفاً توسط برخی گروه‌های محور مقاومت برنامه‌ریزی و اجرا شده است. با توجه به این وضعیت، جنگ غزه احتمالاً راهبرد هسته‌ای ایران را تغییر نخواهد داد زیرا که هم‌اکنون بازدارندگی ایران کار می‌کند و ایران هیچ هزینه‌ای برای فعالیت‌های نیابتی خود علیه اسرائیل و آمریکا نمی‌پردازد. این در حالی است که این آمریکا است که در پاسخ به حملات به نیروهایش در سوریه و عراق، واکنش‌های جزئی نشان می‌دهد و مراقب است تنش‌ها تصاعدی نشده و به جنگ با ایران منجر نشود. در واقع، بازدارندگی متعارف ایران هم‌اکنون کاملاً کارآمد است و ایران احساس نیازی برای تغییر در راهبرد هسته‌ای خود و دستیابی به توانمندی نظامی هسته‌ای ندارد.

از سوی دیگر، جنگ غزه به ایران نشان داده که ایالات متحده علی‌رغم همه فشارهای بین‌المللی با تمام قوا در کنار اسرائیل ایستاده و در صورت شکست قطعی مذاکرات هسته‌ای و توسعه برنامه هسته‌ای ایران و ناتوانی غرب در مهار آن، آمریکا در همراهی با اسرائیل برای اعمال زور علیه ایران تردیدی نخواهد داشت. این مساله را باید در کنار ملاحظات ایران برای عدم عبور از آستانه ۹۰ درصدی غنی‌سازی نظامی و استمرار مذاکرات آن با آمریکا درست چند هفته قبل از جنگ غزه در آگوست و تفاهم برای گفت‌وگوهای گسترده‌تر و تمایل به کاهش اورانیوم غنی‌شده در ازای آزادسازی بخشی از منابع مالی مسدود شده ایران و سپس دیدار مستقیم تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران با هم‌تایان آمریکایی خود در عمان تحلیل کرد. با این وجود، جنگ غزه مسلماً دستیابی به توافق با ایران برای محدودسازی فعالیت‌های هسته‌ای آن را دشوار خواهد کرد. در واقع، پیامدهای این جنگ و افزایش تنش میان ایران و آمریکا به دلیل حملات نیابتی به نیروهای آمریکایی، حمایت ایران از حماس، تقویت روابط ایران و روسیه، دیدگاه‌های مخالف در کنگره در مورد سیاست دولت بایدن در قبال ایران و انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا در سال ۲۰۲۴ عملاً دستیابی به یک توافق و تأیید آن را بسیار دشوار کرده است.

### ۳- نتیجه‌گیری

عملیات طوفان الاقصی و شکست غیرقابل جبران اسرائیل در پیش‌بینی و مقابله با این عملیات سبب شده اولویت احیای بازدارندگی بویژه در غزه و لبنان با هر هزینه انسانی برای این رژیم که استراتژی خود را از ابتدای تاسیس تا کنون بر راهبرد بازدارندگی استوار کرده

است، در دستور کار قرار گیرد. در این میان، با توجه به آسیب جدی بازدارندگی اسرائیل پس از عملیات طوفان الاقصی و سپس در جنگ غزه و اقدام و پاسخ پینگ پنگی ایران و اسرائیل و بویژه عملیات روزهای توبه، تحلیل‌های متعددی در مورد تغییر موازنه قدرت میان جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی و احتمال تغییر راهبرد ایران به سمت توسعه فعالیت‌های هسته‌ای مطرح شده است. در این شرایط، برخی اظهارنظرهای مقامات رسمی جمهوری اسلامی ایران نیز بر این گمانه‌زنی‌ها دامن زده است. بنابراین بسیاری از تحلیلگران به دنبال ادراک راهبرد هسته‌ای ایران، ماهیت و شیوه عمل محور مقاومت و برنامه راهبردی ایران در مقابله با رژیم صهیونیستی بویژه در شرایط جدید منطقه‌ای و بین‌المللی پس از اقدام تجاوزکارانه اسرائیل علیه ایران و همچنین پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا هستند. به نظر می‌رسد این مساله صرفاً با گذر زمان و میزان و شدت درک اسرائیل از توان بازدارندگی و ادراک اشتباه محاسباتی آن در مورد ایران و تغییر خطای محاسباتی آن و یا فهماندن قدرت و اراده و ابتکار ملت ایران و جوانان کشور به دست خواهد آمد.



# گاهنامه شهرداری تل قرین

شماره دهم | آذر ۱۴۰۳

## پرونده ویژه؛ جنگ غزه پس از یک سال

**صاحب امتیاز:** اندیشکده مطالعات رژیم صهیونیستی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)  
**مدیر مسئول:** مهدی جاودانی مقدم - **سردبیر:** محمد پاکدامن - **دبیر تحریریه:** مهران مالرداری  
**شورای سیاستگذاری:** مهدی جاودانی مقدم، محمد پاکدامن، مهران مالرداری، محمد حسین ایوبی

**تحریریه:** محمد علی احمدیان، محمد جواد قصابی فرد، مهران مالرداری، علی تقی زاده،  
حمیدرضا سلطانیان، امیر معصوم بیگی، امیر کیوانی، زهرا ارمیه چی و مصطفی مقدم  
**طراحی جلد و صفحه آرایی:** محمد رضا سروری فر

**راه ارتباطی:** شناسه @mehranmaldari در اپلیکیشن بله و ایتا  
**نشانی:** پژوهشگاه دانشگاه امام صادق (علیه السلام) - اندیشکده مطالعات رژیم صهیونیستی

اندیشکده مطالعات رژیم صهیونیستی  
دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

